

خبرنامه الکترونیکی

پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی
وزارت علوم، تحقیقات و فناوری





فهرست مطالب

یادداشت



پیام سردبیر

معرفی و نقد کتاب



۲

۳

۶

نشست نقد و بررسی کتاب تجدد رمانتیک و علوم شاهی
نشست نقد و بررسی کتاب دانشگاه‌ها در قرون وسطی

گفت و گو



۹

۱۰

۱۱

۱۳

۱۴

ریس پژوهشگاه مطالعات فرهنگی و اجتماعی در گفت‌وگو با مهر / نمایشگاه بضاعت دولت است
برای عموم ناشران
دکتر طهرانچی رئیس دانشگاه آزاد اسلامی / فردی که در مدیریت آموزش عالی فعالیت و زندگی
می‌کند اساساً بدون کتاب‌های پژوهشگاه نمی‌تواند کار کند
رضا ماحوزی در گفت‌وگو با اینا / حوزه زنان و آموزش عالی را فعال‌تر کردیم
ناصرالدین علی تقویان / سردرگمی مخاطبان نمایشگاه نشانه چیست؟
جبار رحمانی در گفت‌وگو با مهر / نمایشگاه کتاب ۱۰ سال است درجا می‌زند

اخبار جشنواره فارابی

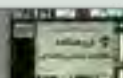


۱۵

۱۶

فراخوان دریافت آثار یازدهمین جشنواره بین‌المللی فارابی
از سوی وزیر علوم، تحقیقات و فناوری:
دبیر، رئیس دبیرخانه و دبیر علمی یازدهمین جشنواره بین‌المللی فارابی منصوب شدند

اخبار پژوهشگاه



۱۷

۱۸

۱۹

۲۰

نشست «وعده روشنگری و اهمیت جامعه‌شناسی فرهنگی» برگزار شد
نشست «جایگاه نشر دانشگاهی در دیپلماسی علمی» برگزار شد
نشست «آموزش عالی و مخاطرات زیست‌محیطی» برگزار شد
اولین جلسه سال ۱۳۹۸ رؤسای پژوهشگاه‌های ملی کشور برگزار شد

۲۱

۲۲

۲۲

۲۲

۲۳

۲۶

۲۹

۳۱

۳۲

۳۲

۳۲

دکتر برات قبادیان معاون آموزش، پژوهش و فناوری وزارت صمت / پژوهشگاه با حمایت وزارت
صمت توانایی گشایش افق‌های جدید را دارد
مراسم رونمایی از کتابهای «سیاست زبانی در بین‌المللی‌سازی آموزش عالی در ایران» و «تجارب
زیسته بین‌المللی دانشگاهیان ایران»
رونمایی از کتاب «عدالت جنسیتی در آموزش عالی ایران»
کتاب «زنان در جهان دانشگاهی» رونمایی شد
ده عنوان کتاب جدید در حوزه «علم و فناوری» مجموعه «پیمایش‌های جامعه دانشگاهی» منتشر شد
مجموعه «پیمایش‌های جامعه دانشگاهی» منتشر شد
عرضه ۵ عنوان کتاب جدید در حوزه دانشگاه و جامعه
تمدید مهلت ارسال آثار همایش ملی «مطالعات فرهنگی و اجتماعی آموزش عالی، علم و فناوری»
چهل و پنجمین شماره فصلنامه علمی-پژوهشی تحقیقات فرهنگی ایران منتشر شد
اخبار اعضای هیئت علمی
اخبار واحد آموزش پژوهشگاه

شناسنامه خبرنامه

مدیر مسئول: حسین میرزایی

شورای سردبیری: رضا ماحوزی،

علی میرزایی

همکاران: خداداد خادم، موسی مرتضوی‌فر

تلفن: ۲۲۵۷۰۷۷۷ - ۲۲۵۷۰۶۶۶

آدرس: تهران، پاسداران، خیابان شهید

مومن‌نژاد (گلستان یکم)، شماره ۱۲۴

پست الکترونیک: info@iscs.ac.ir

آدرس سایت: www.iscs.ac.ir

پیام سردبیر

با سپری شدن سالی پر از تلاطم و سختی و دلهره و اضطراب، بهار ۱۳۹۸ آغاز شد؛ بهاری که خود با تلاطم‌های طبیعی سهمگینی همراه بود. در این تلاطم‌ها، آموزش عالی به چالشی جدی کشیده شد. چالشی که ذیل مفهوم مسئولیت اجتماعی از دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی، انتظاراتی متفاوت از انتظارات پیشین، اعم از آموزش و پژوهش را مطالبه می‌کرد.

ظاهراً چاره‌ای نیست، موج دانشگاه مسئول یا دانشگاه اجتماعی در حال فراگیر شدن است و دانشگاه‌پژوهان و اصحاب علوم اجتماعی و علوم تربیتی در حال تدوین چارچوب‌های نیل به این هدف هستند؛ چنانکه مترجمان نیز ادبیات جهانی را به عرصه می‌آورند و مدیران مربوطه، آیین‌نامه‌ها و ساختارهای لازم را فراهم می‌آورند. اما علیرغم همه این تلاش‌ها و مطالبات اجتماعی روبه ازدیاد، گویی هنوز هم درگیر موج‌های سیاست‌گذاری هستیم و آگاهانه نمی‌دانیم نسبت دانشگاه‌های آتی اجتماعی ما با نسل‌ها و رویه‌های پیشین دانشگاه‌داری کدام است.

شاید لازم است این بار آینده دانشگاه در ایران به صورت جدی در نسبت با گذشته دانشگاه در این کشور خوانش شود. تاریخ دانشگاه می‌تواند بخشی از بصیرت مورد نیاز ما محققان و مدیران و دغدغه‌داران آکادمیک را فراهم آورد. چرا که تا ندانیم دوره‌های متعدد و ایده‌های غالب بر دانشگاه در صد سال اخیر کدام‌ها بوده است و هریک از این دوره‌ها چه نسبتی با تاریخ علم و آموزش در ایران برقرار کرده است، نخواهیم دانست دانشگاه آینده یا همان دانشگاه اجتماعی این نسبت را چگونه برقرار خواهد کرد.

بر این اساس پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری درصدد است تاریخ علم و فناوری و نهادهای آموزشی قدیم و جدید در ایران را با سرعتی بیش از گذشته دنبال کند تا خلأ این حوزه اندکی مرتفع شود و سیاست‌گذاران و محققان با چشمانی باز آینده آموزش عالی در ایران را رقم بزنند.

رضا ماحوزی
بهار ۱۳۹۸





نشست نقد و بررسی کتاب

تجدد رمانتیک و علوم شاهی

نشست نقد و بررسی کتاب «تجدد رمانتیک و علوم شاهی» تألیف دکتر رضا نجف زاده که در بهار سال جاری توسط انتشارات پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی منتشر و به نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران رسید، با حضور دکتر علیرضا ملایی توانی معاون پژوهشی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، دکتر آرش حیدری عضو هیئت علمی دانشگاه علم و فرهنگ و دکتر رضا ماحوزی معاون پژوهشی پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم دوشنبه ۲۰ خردادماه در محل پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد.

در این نشست که توسط پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی برگزار شد، دکتر رضا نجف زاده مؤلف کتاب تجدد رمانتیک و علوم شاهی ابتدا به نوعی از زیست قدرت ایرانی و درون‌زا بودن آن اشاره کرد و گفت: در این کتاب این ایده که تجدد و زیست قدرت ما منشأی خارجی دارد رد شده است. داستان کتاب، داستان فرادستان حوزه قدرت و فرودستان حوزه دانش است. از این رو با شبکه ریزومی نیروهای سیاسی و رژیم‌های دانایی سروکار داریم. مسئله نوعی دیالکتیک چند وجهی است.

وی افزود: از کنگره‌های ایران‌شناسی رسمی تا خرده سیاست‌های شعر چریکی در ۱۷ تا ۲۸ مهر ۱۳۵۶ تا خرده سیاست‌های غیر رسمی ایران‌شناسی و خرده سیاست‌های اسلام‌شناسی تا نظریه انتقادی در زندان و نقد ادبی در تبعید و.... با شبکه‌ای از مبارزات و شبکه‌ای از تعاملات جنگ آسا مواجه هستیم که در بازه زمانی مورد بحث کتاب یعنی از اسفند ۱۲۹۹ تا بهمن ۱۳۵۷ در کار هستند.

نجف زاده ضمن بر شمردن عناصر مشترک تجددهای رمانتیک‌های ایرانی شامل انحطاط اندیشی، عقل‌باوری عاطفه‌بنیاد، عطف توجه به سنت، تأکید بر تاریخ و برخورداری از ذهنیت تراژیک، و برخورداری انواع تجددهای این بازه شامل تجدد رمانتیک شاهنشاهی، تجدد رمانتیک سرخ انقلابی، تجدد رمانتیک اسلام‌گرایانه و تجدد رمانتیک انتقادی از عناصر مذکور، بیان داشت که تمرکز این کتاب بر تجدد رمانتیک شاهنشاهانه است. در این میان پارادوکس حقوق

هدف پیشین رها شده و قرار است تحلیلی از ایدئولوژی‌های حاکم بر دوره پهلوی ارائه شود. در ادامه نیز مفهوم سوژه پیش کشیده می‌شود که متفاوت از دو رویکرد پیشین است. بنابراین تا اینجا با سه لحظه نظری مواجه هستیم که آمیختن این‌ها با هم پروژه‌ای بسیار بزرگ می‌طلبد. به این معنا، در این کتاب به صراحت نمی‌دانیم با چه چشم‌اندازی با سامانه تولید دانش و نسبت قدرت و دانشی که در دوره پهلوی هست مواجه هستیم.

حیدری ادامه داد: زمانی که به فصل اصحاب فرهنگستان می‌رسیم بحران نظری که در فصل پیش وجود دارد خودش را به شکل دیگری نشان می‌دهد. دولوز می‌گوید «ایدئولوژی گرد و غباری است که در میدان نبرد برمی‌خیزد» اگر بخواهم به این جمله چیزی اضافه کنم این خواهد بود که هدف تحلیل تحلیل روابط نیروهایی است که در میدان نبرد وجود دارند نه تحلیل ایدئولوژی‌هایی که مانند غباری روی میدان نبرد را گرفته‌اند. در این فصل ما با مجموعه‌ای از ایدئولوژی‌ها مواجه هستیم؛ ایدئولوژی‌هایی که دم و دستگاه‌های نرم قدرت به معنای آلتوسری هستند.

وی افزود: ما در این دروان کانون‌های متفاوتی از جوشش‌های گفتار داریم که لزوماً محصول اراده کردن شاه و نهادهای شاهی نیست. اتفاقی که در منطق روایی این کتاب افتاده است این است که ما جراً به دولتی که اراده می‌کند و دانشی که خلق می‌شود فروکاسته شده است و این به شدت برخلاف مفهوم درون ماندگاری است که مولف مطرح می‌کند.

حیدری یادآور شد اگر این کتاب بخواهد خود

سلطنت و حقوق ملت در جریان است. به گفته عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی: هر کدام از این تجددها ویژگی‌های اختصاصی دارند اما ویژگی‌های اصلی تجدد شاهی خود شاه و نژاد است.

وی افزود: فرمان نگارش تاریخ کامل ایران در پانزدهم آذرماه ۱۳۴۴ نقطه عطفی در علوم شاهی است. در این کتاب بر علوم زبان‌شناختی، علوم ایران‌شناختی و علوم تاریخی تأکید شده است. در تمام این علوم رسمی ردپای شاه را می‌توان دید.

نجف زاده تأکید کرد: این کار یک کار فوکویی کامل نیست و ما نمی‌توانیم فوکویی کامل باشیم بلکه ما می‌توانیم بهره‌ای از ایشان ببریم و فوکو را از آن خودمان بکنیم. ما در زمان پهلوی‌ها با غیاب امر ملی کثرت گرایانه مواجه هستیم. در فوکو ما با یک گسست و پیوست مواجه هستیم. وی در ادامه گفت: کتاب شامل تحلیل رژیم‌های دانایی دوره پهلوی و نسبت دیالکتیکی آنها با نظام قدرت و حکمرانی در قالب نهادهای پژوهشی است این کتاب درباره رابطه نهادهای پژوهشی، علم و سیاست و پژوهشگران با نهاد قدرت در دوران جدید است.

دکتر آرش حیدری عضو هیئت علمی دانشگاه علم و فرهنگ نیز در بخشی از این نشست با اشاره به اینکه کتاب با پرسش‌هایی متفاوت آغاز می‌شود و مسئله اداره کردن و حکومت کردن که ایده‌ای فوکویی است را پیش می‌کشد گفت ما انتظار داریم طبق ادعا با سازوکارهای قدرت منتثری که قرار است بدن‌ها و ذهن‌ها را به سامان کند مواجه شویم اما ناگهان با مفهوم اپراتوس آلتوسری مواجه می‌شویم؛ گویی

انسانی جدید در ایران از این زمان به بعد شکل گرفت. این فضای نوین شکل گرفته تحت تأثیر عصر مشروطه در مابین سالهای ۱۳۰۴ تا ۱۳۱۴ دوباره محو می‌شود و ما دوباره به پیشامشروطه برمیگردیم.

وی ادامه داد: در این دوران ظهور رضاشاه برآمده از تجربه مشروطه خواهان است که فضای مشروطه‌خواهی در بستر تاریخ لِرزان ایران در آن زمان قابل استقرار نیست. این دوره یک عقبگرد تاریخی برای ما بود. ما در این دوران از دموکراسی به دیکتاتوری، از شاه عرفی به شاه مستبد، از دولت مشروطه به دولت مطلقه، از ملت نیرومند به دولت نیرومند، از توزیع قدرت به تمرکز قدرت، از لیبرال دموکراسی به دموکراسی شاهنشاهی، از چندگانگی فرهنگی به فرهنگ واحد، از سوژه انسان حق مدار به انسان فرمانبردار، از ناسیونالیست دموکراتیک به ناسیونالیست رمانتیک، و از خطیان مردمی به خطیان حکومتی بازمی‌گردیم. همه اینها همچنین منجر به پدید آمدن چیزی شد که آقای نجف زاده در کتاب خود از آن تعبیر به علوم شاهی کرده‌اند.

ملایی توانی تاکید کرد: عامل مهمی که در دوران رضاشاه به پیشبرد مباحث و ساماندهی علوم شاهی کمک می‌کند، شکل گیری طبقه متوسط است. تحولات در نظام مالی، آموزشی، اجتماعی، یکجانشینی برخی اقوام و مواردی از این قبیل طبقه متوسط جدید را شکل می‌دهد. همین طبقه متوسط جدید در دهه بیست نقش‌های مهم اجتماعی را ایفا می‌کند و علوم شاهی را به حاشیه می‌راند.

ملایی با تاکید بر دهه چهل گفت: در تحلیل نظام دانایی و علوم شاهی و درباری در تاریخ ایران، دهه ۴۰ بسیار مهم است. چیزی که در کتاب از آن بحث نشده است. در این دهه تحول مهم اصلاحات ارضی و انقلاب سفید رخ می‌دهد. این سیاست یک تکانه جدید در ساخت اجتماعی جامعه ایران است که موجب می‌شود مهاجرت‌های گسترده از روستاها به شهرها اتفاق بیفتد. در این دوره حکومت شاه در بحث‌های فرهنگی و هویتی احساس خلا می‌کرد. از این رو نهادهای علوم انسانی جدید یا به تعبیر کتاب علوم شاهی شکل گرفت.

ملایی توانی در ادامه گفت: در کتاب به همه نهادهای رسمی و شاهی پرداخته نشده است و در این بین خیلی‌ها از قلم افتاده‌اند.

ملایی توانی در قسمت پایانی سخنان خود گفت: پرسش دیگر این است که آیا در دوران مورد بحث کتاب که مابین ۱۲۹۹ تا ۱۳۵۷ است،

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی نیز در این نشست با اشاره به اینکه کتاب یک کار میان رشته‌ای گسترده است گفت: کتاب هم صورت‌بندی نظریه گسترده‌ای دارد و هم منابع و مدارک تاریخی را به صورت مفصل بررسی کرده است.

ملایی توانی گفت: خلأ موجود در این کتاب این است که نظریات و آرای علمی کتاب از زمینه تاریخی خود جدا شده است. به گونه‌ای که گویی کتاب در خلأ تولید شده است. این در حالی است که بنا بر ادعای خود مؤلف کتاب قصد دارد با بهره‌گیری از مباحث نظری گسترده، خطوط ناخوانده تاریخ را عیان کند.

دانشیار پژوهشکده تاریخ پژوهشگاه علوم انسانی ادامه داد: ما وقتی از مفهوم علوم شاهی سخن می‌گوئیم لازم است به دوره پیش از مشروطه و پس از مشروطه برگردیم که به فهم ما از تاریخ بسیار کمک می‌کند. در فضای پیشامدرن تمام دانشگاه‌های ما از زمره علوم شاهی محسوب می‌شدند. علوم‌ی که باید به تأیید پادشاه می‌رسیدند. ادبیات، هنر، اندیشه ورزی و ... ما وابسته به نهاد قدرت بود. کار بزرگی که مشروطه انجام داد ایجاد یک بستر واقعی در زمینه‌ای بود که ما به مدد آن از دوران پیشامشروطه گذر کردیم. وضعیتی که در آن علوم شاهی به حاشیه رفت و علوم‌ی تولید شد که دیگر مردمی بود. دانشیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی افزود: کار بزرگ مشروطه خواهان این بود که شاه را به عنوان یک قدر قدرت و مالک الرقاب به یک انسان عرفی تبدیل کردند. با این اتفاق طبیعتاً تمام دانش‌های پیرامونی این نهاد می‌بایست مردمی و دموکراتیک می‌شد. علوم

را به رویکرد فوکویی برای بیان رابطه قدرت و دانش متعهد سازد لازم است در تحلیل‌های خود سر شاه را بزند و قدرت را در ساختارهایی که برآورنده نظام‌های متعدد از جمله نظام دانایی هستند بررسی کند. در این کتاب تلاش شده قصه‌ها و تاریخ رویدادهایی که بر نهادهای فرهنگی مورد اراده شاه رفته است کنار هم چیده شود و مفهوم شبکه قدرت و نظام دانایی از خلال این اراده‌های همایونی نشان داده شود. اما در عمل چیزی جز شبکه‌ای از نهادها و آرایشی از نهادهای شاهانه را نمی‌بینیم. در اینجا مناقشات صرفاً در سطح ایده‌ها دیده شده است.

وی در ادامه گفت: به تعبیری ایده بنیادی ایرانی جامعه شناسی نخه کشی در فصل فرهنگستان‌ها دیده می‌شود. اما قضیه به این محدود نمی‌شود زیرا در همین فصل بلافاصله خواننده به سمت روایی سوژه محوری و اندکی بعد به سوی ایده محوری و از طرف دیگر به سمت بازتولید کلیشه‌ها کشیده می‌شود. این فصل ادامه پیدا می‌کند و در نهایت با مجموعه‌ای از شخصیت‌هایی که به متن پرتاب شده‌اند و مجموعه بزرگی از منویاتی که باید مورد پژوهش قرار گیرند روبرو می‌شویم. اینجاست که این نظام ایده‌ای دقیقی که ترسیم شده است توضیحی از کردارها به ما نمی‌دهد. به جرات می‌توان گفت که کار نشان نمی‌دهد که چگونه این تاریخ ایده به کردار بدل شده است. به محض اینکه لحظه‌ای سر می‌رسد که می‌خواهیم مجموعه‌ای از این کردارها و شبکه بندی قدرت و بروز و ظهور نیروهای رقیب را ببینیم کتاب تمام می‌شود. شاید خوب بود که کتاب اینجا شروع می‌شد.

دکتر علیرضا ملایی توانی معاون پژوهشی





باشد.

وی یادآور شد: ما می‌دانیم که دانشکده معقول و منقول قبل از دانشگاه تهران تأسیس شد و موسسه وضع و خطابه برای پرورش مبلغانی که با دنیای جدید آشنا باشند تأسیس می‌شود و به دلیل رقابتی که بین جامعه دانشگاهی و سنتی وجود دارد این مؤسسه دو سال بیشتر دوام نمی‌آورد. اما چه اتفاقی در این مؤسسه افتاده و چه میراثی از آن به سازمان پرورش افکار متین دفتری منتقل شده است، موضوعی است که در این کتاب به آن اشاره نمی‌شود.

ماحوزی در ادامه بیان کرد: باید بدانیم متین دفتری در ادبیات جهانی عصر خود متأثر از کدام جریان است که چنین ملی‌گرایی‌ای را طرح کرده است. آیا این ملی‌گرایی نسخه‌ای اخلاقی است یا نسخه‌ای سیاسی؟ هرگونه پاسخی به این پرسش ما را به تحلیل متفاوتی سوق می‌دهد. مولف در تحلیل فکر متین دفتری گریزی به رماتیسم آلمانی زده است اما دقیقاً تشریح نمی‌کند که این الهام‌گیری چگونه برای متین دفتری بومی شده است. می‌دانیم که نسخه آلمانی وحدت ملی در قرن نوزدهم در عین سیاسی بودن، نسخه‌ای اخلاقی است از اینرو بر سوژه‌محوری انسان و خودآیینی و خودالزامی آن تأکید دارد از این رو به راحتی نمی‌توان این سوژه اندیشنده برساننده را به سوژه‌ای مطیع و فرمانبر فروکاست. این در حالی است که الگوی فرانسوی وحدت ملی بیش از اندیشه بر گوش و آموزش یکسان ملی تأکید دارد؛ آموزه‌ای که به تعالیم سازمان پرورش افکار می‌خورد.

قدرت در یک شأن مستلزم نظام سیاسی را برمی‌تابد و از طرف دیگر دارد نظام دانایی خاصی را مطابق آن قدرت تعریف می‌کند. بنابراین من به جای اینکه نظام دانایی را مولود شخص شاه بدانم، آن ساخت سیاسی را هم متکی بر یک نظام قدرت می‌دانم مشروط به اینکه تلقی عامتری از نظام قدرت داشته باشیم. نکته مهم‌تر و جالب‌تر اینکه در این بازه با تقدم نظام دانش بر نظام سیاسی روبرو هستیم، یعنی ما رگه‌هایی از این نظام دانایی را قبل از رضا خان و رضا شاه شاهدیم.

وی افزود: نکته دیگر اینکه حکومت پهلوی حکومتی یکدست نیست که از آن به عنوان نظام قدرتی واحد و منسجم یاد کنیم، مثلاً اگر ما تأسیس دانشگاه تهران را بزرگترین اتفاق در برآوردن نظام دانایی در نظر بگیریم به محض خروج رضا شاه از کشور شاهد شورای دانشگاهی متفاوت هستیم. ما با یک دوره انتقالی از ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۸ روبرو هستیم که محمدرضا شاه در راستای کسب مشروعیت، به نظام دانایی متفاوتی مجال می‌دهد. حوزویان، چپ‌ها و... نیز در همین فضا به عرصه می‌آیند که هرکدام نظام دانایی خاصی را عرضه می‌دارند که بلحاظ هویت و ماهیت متفاوت از برنامه‌ها و اهداف سازمان پرورش افکار است که در سال ۱۳۱۷ توسط دکتر متین دفتری است. در ادامه نیز یعنی در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ نیز همسو با برنامه‌های انقلاب سفید با گونه دیگری از نظام دانایی و تولید و مصرف فرهنگی روبرو هستیم. اساساً شاید یکی از زمینه‌های سقوط سال ۵۷ تفاوت نظم دانایی و نظام سیاسی

نمونه‌های دیگر از علوم توانستند شکل بگیرند؟ آیا اگر ما در آن فضا قرار می‌گرفتیم می‌توانستیم علوم دیگری تولید کنیم یا همان علوم را در همان چارچوب‌های جاری عرضه می‌کردیم؟ به نظر می‌آید ما هم اگر بودیم همان مسیر را می‌رفتیم. در آن دوران کانون‌های علوم انسانی یک پاتوق برای جمع شدن روشنفکران غیر سیاسی بود. دکتر رضا ماحوزی معاون پژوهشی پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی نیز در این نشست نخست با پرسش از مفهوم علوم شاهی و ابهامی که در این واژه وجود دارد گفت آیا به صرف حمایت دستگاه حاکمیت از مدارس و علوم، می‌توان علوم خاصی را به عنوان علوم شاهی متصف کرد مثلاً آیا می‌توان کمک‌های عباس میرزا و امیر کبیر به محصلان و علوم جدید را مصداقی از علوم شاهی دانست یا آنکه باید این مفهوم را به طیف خاصی از علوم بویژه علوم می که متعهد به تبیین ایدئولوژی شاهی هستند محدود کرد؟

وی در ادامه افزود: بازه زمانی مورد اشاره مؤلف ۱۲۹۹ تا ۱۳۵۷ است و طبق ادعا قرار است بر مبنای چارچوب نظری فوکویی مدیریت ذهن و بدن توسط نظام قدرت تبیین شود و نشان داده شود که چه مناسباتی از قدرت چه نوع نظام دانایی را بالا آورده و این نظام دانایی چگونه در ساخت‌های اجتماعی به خواست‌های نظام قدرت پاسخ می‌دهد. برای من این پرسش مطرح است که خود این نظام قدرت سیاسی، طبق چارچوب فوکویی توسط کدام نظام قدرت برآمده است؟ به عبارت دیگر می‌خواهیم بدانیم چه نوع مناسباتی به حکومت ملی پهلوی اول و دوم منجر شد؟ در این کتاب این زمینه را نمی‌بینیم شاید به این خاطر که نقطه آغاز بررسی‌ها ۱۲۹۹ گرفته شده است. اگر همین تبارشناسی را ادامه دهیم می‌بینیم که خود حکومت پهلوی هم از درون ساختارهای قدرتی برآمده که آن ساختارهای



فعالیت‌هایی داشت و در جایی به واسطه بحث اشرافیگری نشان می‌دهد که چگونه پرفسورهای مولد به پرفسورهای نامولد تبدیل می‌شوند و چگونه این اشرافی‌سازی وارد زیست اساتید و نهاد دانشگاه شد و غیره. بحث دانش از امر فراغتی به امر کار هم خود بحث مهمی است که این کتاب به آن می‌پردازد. لذا این کتاب علیرغم انتقال آگاهی ما از تاریخ دانشگاه غرب، الگویی برای تاریخ‌نگاری می‌تواند باشد. امیدوارم که این کارها و کارهایی که در دست اجرا داریم کمک کند تا نهاد دانشگاه خودش را از زیر فشارها و مداخله‌های سیاسی نجات بدهد تا بتواند کارکردهای رهایی بخشی خود را برای جامعه بیشتر ایفا کند.

دکتر مقصود فراستخواه دیگر سخنران این نشست با اشاره به آثاری که پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی در این چند سال منتشر کرده گفت: پژوهشکده با آثار خوبش اطلس دانش ما در حوزه دانشگاه و آموزش عالی را بسط داده است. اگر یک نقطه محوری برای مطالعات دانشگاه قائل باشیم این نقطه محوری می‌تواند همین مطالعات تاریخ دانشگاه باشد که می‌تواند همراه برنامه‌های پژوهشی صورت‌بندی شود؛ یکی همان مطالعات سنتی تاریخ که درواقع تاریخ تداوم است که در آن بیشتر رویکرد استعلایی وجود دارد و در آن سوژه می‌تواند دانشگاه باشد. یک نوع مطالعات دیگر تاریخ را از نوع گسست می‌داند. به تعبیری تبارشناسی تاریخی است که از نیچه، فوکو و... به بعد رایج می‌شود که تاریخ را به صورت گسست می‌بینند و مسئله را از منظر گفتمانی گسست‌ها و انفصال‌ها و رویدادها بررسی می‌کند.

وی افزود: به هر حال همه اینها برنامه‌های پژوهشی گسترده‌ای برای امر دانشگاه هستند. همین که ما توجه داشته باشیم که دانشگاه یک امر خطی نیست و پیچیدگی‌های خاص خود را دارد، خیلی مهم است. همواره گفته‌ام که بدون فهم قرون وسطی نمی‌توانیم دنیای مدرن را بفهمیم. برای فهم دانشگاه هم نیازمندیم که به سده‌های میانی رجوع کنیم و پویایی‌های درونی آن سده‌ها را بررسی کنیم تا ببینیم که چه دینامیسمی در اروپا و شهرهای اروپایی بوده و چه اتفاق‌هایی رخ داده و بر دانشگاه و مسیر حرکت آن چه اثری گذاشته است. لذا لازم است این موارد را بررسی کنیم تا از دورن آنها بتوانیم دانشگاه را توضیح دهیم.

به گفته دکتر فراستخواه در این کتاب این تلاش انجام شده و من با آن همدلی دارم و در کتاب سوانح و سرگذشت دانشگاه نیز آن را آورده‌ام تا



نشست نقد و بررسی کتاب

دانشگاه‌ها در قرون وسطی

فروغی و حبیب الله خان در بازه زمانی ۱۳۰۳ تا ۱۳۰۵ تهیه، ترجمه و منتشر شده است تا تصویر روشن‌تری از آن ایام درباره دانشگاه و سرشت آن برای ما فراهم آورد. محور بحث‌های آن ایام این بود که این کشور که می‌خواهد توسعه یابد و به تعبیری دولت-ملت در آن مستقر شود آیا آموزش عالی مقدم است یا آموزش ابتدایی؟ بخشی از این گفتگوها در یک مجلد از مجموعه ۱۷ جلدی آثار تقی زاده منتشر شده است. مابقی نیز در لابه لای اسناد جمع آوری شده است. سرچشم این مباحث و اسناد نشان می‌دهد که تاریخ دانشگاه در ایران امری نااندیشیده نبوده است.

وی درباره کتاب دانشگاه‌ها در قرون وسطی نوشته ژاک ورژه و ترجمه امیر رضایی افزود: مهمترین نکته این کتاب این است که تاریخ دانشگاه را نباید خطی و تک بعدی دید. این کتاب نشان می‌دهد که دانشگاه چگونه در ارتباط با نهادهای اجتماعی پویایی‌های درونی خود را دارد و در نتیجه، کارکردهای متنوعی هم در جامعه پیدا می‌کند.

رحمانی یادآور شد: این کتاب پویایی‌ها و تحولات درونی نهاد دانشگاه‌های نخستین در اروپا را نشان می‌دهد و در عین حال خیلی هم انتقادی است. مثلاً در جایی نشان می‌دهد که دانشگاه در مواجهه با نیروهای بیرونی چه

نشست نقد و بررسی کتاب دانشگاه‌ها در قرون وسطی که توسط پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی منتشر شده است، در سالن دکتر قانع‌راد پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری با حضور دکتر مقصود فراستخواه، دکتر جبار رحمانی و دکتر رضا ماحوزی برگزار شد.

در این نشست دکتر جبار رحمانی با بیان اینکه یکی از پرسش‌های کلیدی ما در ایران تاریخ دانشگاه بوده و هست گفت: یک نگرش و دید این است که دانشگاه یک امر نااندیشیده در ایران است و نوعی تاریخ‌نگاری خطی که بر وجه سیاسی تصمیم‌ها تأکید دارد در آن غلبه دارد. پژوهشکده ما به نیت کنار گذاشتن همین تلقی به موضوع تاریخ دانشگاه ورود کرده است. تاریخ دانشگاه در ایران و جهان برای ما مسئله‌ای بود که می‌بایست در راستای آن منابعی تولید می‌کردیم. از درون این چنین دغدغه‌ای بود که این کتاب ترجمه شد که ترجمه نسبتاً روانی هم دارد.

در این راستا کتاب‌هایی مانند کتاب دکتر فراستخواه، کتاب عیسی خان صدیق و مجموعه‌ای که گفتگوهای میان تقی زاده، عیسی خان صدیق،



تاریخ دانشگاه بودم این کتاب برایم بیش از یک کتابخانه بود چرا که اطلاعاتی را به خواننده می‌دهد که معمولاً در یک کتاب پیدا نمی‌شود. اما در عین حال کتاب ضعف‌هایی هم دارد. وی افزود: در مطالعه این کتاب بدنبال یافتن پاسخی به این پرسش بودم که استقلال دانشگاه‌ها از چه زمانی اتفاق افتاده است؟ آیا این امر به قبل بر می‌گردد و ریشه در تاریخ دارد؟ برای ایران هم همین گونه است یعنی ریشه در تاریخ دارد با طرح این بحث پدیده‌ای جدید و متأخر است؟ به همین دلیل این کتاب نقطه آغاز محکمی بود. می‌دانیم که در دانشگاه کونیسبرگ قرن هجدهم که کانت و فیشته و دیگر بزرگان در آن تحصیل و تدریس می‌کردند، مقوله‌ای به نام استقلال وجود نداشت چنانکه کانت برای دفع این وابستگی و سرسپردگی و دخالت‌های بیرونی رساله‌ای به نام نزاع دانشکده‌ها نگاشت. ماحوزی یادآور شد: با مورد برلین را اگر در نظر بگیریم این دانشگاه به ظاهر مستقل اما باز هم مأمور، استثنای جزیره‌ای در میان عدم استقلال‌های دانشگاه‌های قرن نوزدهم اروپا است. با این حال نسخه عدم استقلال در اروپا و ایران با هم یکسان نیستند. این کتاب نشان می‌دهد که دانشگاه‌ها در طلب استقلال صنفی و در تمایز از صنف‌های سیاسی و اقتصادی و دینی، چه تلاش‌هایی داشتند و نیروهای بیرونی چگونه در سرکوب این تلاش عمل می‌کردند و چگونه بنحو دائم دانشگاه را از این دست به آن دست بین کلیساهای محلی، شخص پاپ و امپراتور و قدرت‌های سیاسی کوچک می‌چرخاندند. بنابراین اگر چه طلب صنف مستقل داشتن از

اندیشیده بود، و نه اینکه دانشگاه در ایران امری نااندیشیده بوده است؛ پیچیدگی در هر دو بسیار زیاد است. منطق‌ها در حد میانی بوده اما منطق ما مشکلات زیادی داشته و لذا در تجربه‌های دانشگاه اروپایی موفقیت‌هایی وجود داشته که برای ما حاصل نیامده است.

فراسخوخواه یادآور شد: آنچه مهم است این است که چرا در تجربه ما دشواری‌ها زیاد بوده است؟ نه به این معنی که تاریخ خودمان را همواره تاریخ غیاب بدانیم و بگوییم که آنچیزی که در آنجاست اینجا نمی‌شود. اصلاً قرار نیست آنچیزی که در آنجا بوده اینجا هم باشد یا تاریخ ما از طریق تاریخ غیاب توضیح داده شود بلکه باید منطق درونی خودمان را بفهمیم. تجربه اروپایی و این کتاب که تجربه تکوین دانشگاه‌ها در اروپاست می‌تواند برای تأمل عمیق‌تر درباره خودمان بسیار به ما کمک کند.

وی درباره کتاب گفت: برخی ایرادها از جمله اطلاعات کم ناشر درباره اینکه این کتاب ترجمه کدامین شماره ویراسته شده مؤلف است و با اینکه اثر اصلی توسط کدام انتشارات منتشر شده است، و همچنین فقدان منبع‌شناسی و نمایه آخر کتاب، ضبط ضعیف و بعضاً نادرست برخی از اسامی در متن از جانب مترجم، از جمله مواردی است که کار را ضعیف کرده است و باید در چاپ‌های بعد نسبت به تصحیح آن‌ها اقدام شود.

دکتر رضا ماحوزی معاون پژوهشی پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی نیز در ادامه این نشست با بیان اینکه کتاب برای من بیش از یک کتابخانه است گفت: زمانی که درگیر خواندن

بفهمیم که در قرون وسطی چه گذشته است. حتی درباره مدرنیته هم همین مشکل را داریم و باید منطق درونی آن را با مراجعه به شواهد بیرونی پی جویی کرد. یعنی گذشته را باید در بند حال رها کرد، کاری که این کتاب هم کرده است. فراسخوخواه یادآور شد: مثلاً در سده‌های میانی طی یک روند غیر خطی و پیچیده مناسبات فئودالی به هم ریخت و به جای آن رشد بازرگانی و نظام پولی قرار گرفت که یک امر کوچک نبود. یا طبقات نیرومند تازای که در مقابل دوک‌ها و... که در شهرها بوجود آمدند بسیار مهم است. اینها درواقع جزو لایه‌های درونی این جوامع است که شاهدش هستیم. در این زمان ارتباطات توسعه پیدا می‌کند و سرشت ارتباطی جامعه اروپایی تغییر می‌کند. شهرک‌هایی در کنار شهرهای اسقف نشین بوجود آمدند، مثلاً در فلورانس، ونیز و... شهرک‌هایی بوجود آمدند که خصیصه‌های تازه‌ای دارند. مسئله دیگر جمعیت است که افزایش پیدا می‌کند. دارالمسیحیت دیگر نیست، بلکه چیزهای دیگری هم در شهرها وجود دارد. آرامشی که در این دوران در اروپا وجود دارد به هم می‌ریزد، حتی در الهیات مسیحی تحولات زیادی رخ می‌دهد. درواقع الهیات تازه‌ای از درون آنها شکل می‌گیرد.

فراسخوخواه در ادامه افزود وقتی در جامعه تکثر وجود دارد تقسیم کار اجتماعی و تغییراتی بوجود می‌آید که نمونه‌ای از آن را در فعالیت‌های دومنیک‌ها شاهد هستیم. آن‌ها برای اینکه وارد متن جامعه شوند و به مردم خدمت کنند و از این طریق هویت دینی خودشان را انجام دهند و باورهای ایمانی خودشان را پی جویی کنند به عرصه دانشگاهی وارد شدند. این ورود به معنای آن است که علم به یک ارزش اکتسابی بدل شده است و افراد مختلفی در این زمینه مایل به فعالیت هستند.

وی افزود: در این دوران با وجود الهیات و دانشگاه‌هایی که متأثر از کلیسا بودند، ویژگی‌هایی در اروپا وجود داشت که اجازه می‌داد سکولارها هم وارد دانشگاه شوند و درس بخوانند و تدریس کنند. به‌عنوان مثال سوربن که بنا به مأموریتی دینی تأسیس شده بود و پیش‌نماز لویی نهم بود، در عین حال دانشجویان غیرمذهبی را هم می‌پذیرفت. فشار اجتماعی و پویایی اجتماعی سبب شده بود دانشگاه‌های دینی هم به متن جامعه و مردم توجه کنند و انتظارات تازه را ببینند. بنابراین دانشگاه‌ها در اروپا فرایندی خطی را طی نکرده‌اند. با این حال باید توجه داشت که نه می‌توانیم بگوییم که در اروپا دانشگاه یک امر



حرکت دانشگاه‌ها را تعیین می‌کردند. در این کتاب بسیار کم به آندلس اشاره شده و گویی از این نکته فرار می‌کند که آن پایگاه علمی چه سهمی در تغذیه مدارس اولیه مسیحی و هدایت مسیر حرکت دانشگاه‌ها داشته است. رفتن الهیات مسیحی به سمت الهیات ابن‌سینایی و ابن‌رشدی زمینه‌ای برای بازخوانی مجدد ارسطو در اروپا را فراهم آورد. بنابراین آن جریان اشراقی که دست فرانسیسکان‌ها بود با جریان عقل‌گرایی در تقابل بود و جریان دومینکن‌ها متأثر از جریان اسلامی به یک جریان غالب فکری تبدیل شده بود.

وی یادآوری شد: از آنجا که طبق انتظام درونی آن دانشگاه‌ها، کسی که در دانشکده صنایع فلسفه و منطق نخوانده بود نمی‌توانست وارد دانشکده الهیات شود، و از آنجا که دانشکده صنایع در دست جریان ابن‌سینایی و ابن‌رشدی بود، لذا می‌توان حدس زد چگونه فلسفه اسلامی در پیش برد سیاست‌های دینی در اروپا جریان سازی می‌کرد؛ جریانی که نمونه‌ای از آن را نزد آلبرت و توماس شاهد هستیم. تا جایی که وقتی توماس را می‌خوانیم گویی ابن‌سینا یا بهمنیار را می‌خوانیم.

به گفته ماحوزی: همه اینها نشان از این دارد که در دعوای میان دانشگاه‌های آن روزگار فلسفه اسلامی تا چه اندازه تأثیر داشته است. اگر جریان فکر فلسفه را یک شاخه در نظر بگیریم می‌بینیم که چگونه دو دانشکده حقوق و طب را نیز تحت تأثیر قرار می‌داده. این حضور به حدی زیاد است که در قرن شانزدهم ما دیگر با کلمه دانشکده صنایع روبرو نیستیم بلکه با دانشکده فلسفه روبرویم. از همین رو است که کانت در نزاع دانشکده‌ها از چهار دانشکده حقوق، طب، الهیات و فلسفه سخن گفته است.

استقلال و رهایی از شر قدرت بیرونی دینی، زمانی بود که امپراتور روم سعی کرد حقوق شهروندی را مطرح کند و اندکی بعد با توجه به ضعف سیاسی و مدیریتی امپراتور، دانشگاه‌ها سعی کردند نسبت خود را با دولت‌های محلی تعریف کنند. بنابراین حقوق کشورها و ملت‌ها توسط حقوق‌دانان دانشگاهی نوشته شد و این نزدیکی به امپراتور و قدرت‌های محلی باعث کم شدن قدرت کلیسا و استقلال صنفی دانشگاه شد.

وی در ادامه یادآور شد: در بندبازی دانشگاه برای رفتن به سمت اینکه تابع قدرت کلیسا باشد یا تابع قدرت سیاسی امپراتور و قدرت‌های محلی، فضای تنفسی فراهم شد که در آن فضا جریان‌های نومیالیست مجال طرح و رشد پیدا کردند و همین جریان‌ها قدرت کلیسا را بیش از پیش به چالش کشیدند و در ادامه دانشگاه‌ها به مبحث مهم میزان اعتبار کلیسا ورود کردند. یعنی دانشگاهی که تا کنون وابسته به کلیسا بود اکنون درباره اعتبار کلیسا حرف می‌زند.

ماحوزی در ادامه درباره سهم علوم، فلسفه، کلام و الهیات اسلامی در شکل‌گیری گروه‌های فکری در غرب و در نتیجه رشد و اعتلای دانشگاه‌های اروپا گفت: باید توجه کنیم که دو جریان فکری افلاطونی و ارسطویی در اروپای قرون وسطی، همواره نگاهی عمیق به تحولات علمی و دینی و الهیاتی جهان اسلام داشتند و نسبت خود را با آن‌ها تعریف می‌کردند. جریان ارسطویی آن روزگار از عمده‌ترین پایگاه اسلامی در اروپا یعنی اسپانیا و به ویژه مکتب آندلس اثر می‌پذیرفت و با حضور متفکران برجسته این جریان در دانشکده‌های الهیات و صنایع، مسیر

سوی دانشگاه‌های اولیه وجود داشت، اما این صنف دانشگاهی دائماً توسط صنف‌های غیر دانشگاهی سرکوب می‌شد.

وی در ادامه افزود: مثلاً در دانشکده الهیات دانشگاه پاریس و حتی بولون ایتالیا و کمبریج انگلستان، اعطای سهمیه به صنف‌های دینی و غیره و همچنین بازی سه‌گانه میان دانشکده حقوق، دانشکده دانشکده الهیات و دانشکده صنایع، نشان می‌دهد که دانشگاه دارد تلاش می‌کند اما این تلاش لابلال تا پایان قرن چهاردهم چندان به جایی نمی‌رسد. نویسنده کتاب در ابتدای فصل چهارم این نکته را چنین بیان داشته است: «دانشگاه نهادهای کلیسا باقی ماندند». همچنین در صفحه ۱۲۷ می‌گوید «دادگاه رم بیش از آنکه امتیاز مندین‌ها را لغو کند امتیاز دانشگاه پاریس را لغو کرد. ما از سوی خدا فراخوانده نشده‌ایم که علم کسب کنیم و به نگاه‌های انسان‌ها تالو ببخشیم بلکه برای نجات روح‌هایمان فراخوانده شده‌ایم». این موضوع ریشه در کارکردی دارد که کلیسا برای دانشگاه قائل بود یعنی کارکرد دانشگاه اعطای سعادت است که کلیسا تعریف می‌کند. بنابراین در بخش بسیار بزرگی جز یک استثنا، دانشگاه همچنان ساختمان آموزشی کلیسا است. این آمار که تا پایان قرن سیزدهم بین ۳۵ تا ۴۰ درصد کشیش‌ها دانشگاهی بودند نشان می‌دهد که دانشگاه برای یک نهاد قدرتمند بیرونی یعنی کلیسا صرفاً یک رکز وابسته و خدمتگذار است؛ هرچند دانشگاه به نیت حصول صنف مستقل جلو آمد.

به گفته ماحوزی: شاید اولین تلاش دانشگاه برای



رئیس پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی در گفت و گو با مهر:

نمایشگاه بضاعت دولت است برای عموم ناشران / نیازمند حمایت ارشادیم

فرهنگ و ارشاد اسلامی را ناکافی دانست و ادامه داد: برگزاری نمایشگاه کتاب در جایگاه خود مطلوب است اما خلأ در مسائل و حوزه‌های دیگر به چشم می‌آید. این خلأها و کمبودها در حمایت‌هایی که باید صورت بگیرد و نمی‌گیرد، است. واقعاً باید سیاست‌های حمایتی از ناشرانی را که آثار ارزشمند منتشر کرده و به نیاز جامعه پاسخ می‌دهند، بیشتر شود.

پژوهشکده نگاه انتفاعی در

حوزه نشر ندارد

حسین میرزایی در بخش دیگری از این گفت و گو درباره وضعیت انتشارات پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی اشاره کرد: پژوهشکده در حوزه انتشارات نگاه انتفاعی ندارد. در مقطعی برنامه انتشارات پژوهشکده به این صورت بود که هیچ کتابی منتشر نمی‌کرد مگر اینکه نسخه‌ای را برای به صورت هدیه به کتابخانه‌های مرکزی دانشگاه‌های معتبر کشور می‌فرستاد. البته ما کتاب‌ها را برای مجموعه مدیران و رؤسای دانشگاه‌ها و برخی معاونان ارسال می‌کردیم، اما به نظرمان آمد که ممکن است این کتاب‌ها در اتاق این اساتید بایگانی شده یا در همان اتاق مطالعه و حبس شود؛ به همین دلیل نیز ارسال یک نسخه از تازه‌ترین آثار را به کتابخانه‌های دانشگاه‌ها نیز در برنامه داشتیم.

وی اضافه کرد: بنابراین دسترسی عمومی به آثار پژوهشکده یکی از سیاست‌هایی بوده که از قبل داشتیم و در آینده نیز آن را ادامه خواهیم داد. و آن را ادامه می‌دهیم. در وضعیت فعلی و با توجه به افزایش قیمتی که در صنعت نشر کشور به وجود آمده، ادامه این مسیر برای ما سخت و دشوار است. به همین دلیل پژوهشکده در این چند ماه اخیر امکانات مالی برای اهدای کتاب به معنای عامش را نداشته است، اما اهدای کتاب به کتابخانه‌ها کماکان در سیاست‌های ما وجود دارد و آن را ادامه می‌دهیم.

تاکنون هیچ حمایت ویژه‌ای از

انتشارات پژوهشکده نشده است

رئیس پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در بخش دیگری از این گفت و گو انتشارات این پژوهشکده را به لحاظ مالی متکی به خود معرفی کرد که هیچ کمک و حمایتی را از نهادهای دولتی دریافت نمی‌کند. وی در این باره اشاره کرد: تاکنون نهادهای دولتی بجز یک مورد، دیگر هیچ حمایت ویژه‌ای از کتاب‌های پژوهشکده



برای عرضه به مخاطب دارند، فراهم می‌کند اما نکته در اینجا است که در همین فرصت نمایشگاه تمایز این ناشران با ناشران حرفه‌ای نیز مشخص می‌شود. شما احتمالاً شاهد غرفه‌های شلوغی در نمایشگاه بوده‌اید و هم ممکن است غرفه‌هایی را دیده باشید که بسیار خلوت بوده‌اند. هرکسی از نمایشگاه توشه خودش را می‌برد. بنابراین نمایشگاه بضاعت دولت است برای عموم ناشران و باید دولت‌ها این فرصت را فراهم بیاورند، اما در این نکته هم شکی نیست که باید از ناشران تخصصی و ناشرانی که آثارشان به طور واقعی مخاطبان بیشتری دارد حمایت‌های مضاعفی صورت بگیرد.

رئیس پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی درباره منظور خود از حمایت‌های ویژه از برخی ناشران، چنین گفت: به عنوان مثال اگر مسئولان مشاهده می‌کنند که کتابی پرمخاطب است و مورد نیاز طیف‌هایی از جامعه مانند دانشجویان، می‌توانند به ناشر اندکی کمک کنند تا او بتواند بهای کتاب را کاهش دهد. این کار باعث می‌شود تا تعداد خریداران و مخاطبان کتاب بسیار بیشتر از پیش شود. پس به نظر من باید هم حمایت عام از ناشران صورت بگیرد که شکل آن در برگزاری همین نمایشگاه کتاب تهران است و هم باید از برخی از ناشران حمایت خاص شود تا آنها بتوانند قیمت پشت جلد کتاب‌های خود را کاهش دهند. این جامعه شناس سیاست‌های حمایتی وزارت

حسین میرزایی، رئیس پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در گفت و گو با خبرنگار مهر درباره کیفیت برگزاری نمایشگاه کتاب تهران اظهار کرد: نمایشگاه کتاب بالاخره امکانی برای عرضه عمومی کتاب‌هاست. در نمایشگاه همه ناشران حضور دارند و فرصتی است برای ناشرانی که در طول سال و در بازار رسمی کتاب در کشور کمتر فرصت بروز و ظهور را پیدا می‌کنند. حضور بیشتر ناشران کشور در کنار هم امکان انتخاب هوشمندانه را به مخاطبان نیز می‌دهد. به عبارتی مخاطبان نمایشگاه ممکن است به بسیاری از غرفه‌ها رجوع نکرده و یا اگر مراجعه می‌کنند کتاب مشخص و معلومی را درخواست دارند.

نمایشگاه امکان مقایسه میان ناشران را فراهم می‌آورد

وی افزود: حتی این گونه نیست که همه کتاب‌های ناشران حرفه‌ای نیز مورد استقبال قرار بگیرد. تنها آن دسته از کتاب‌های در نمایشگاه مطرح می‌شوند که روح زمانه خود را داشته و در این دوره احساس نیاز به آن پیدا می‌شود. به عنوان مثال اگر ناشری در طول سال ۵۰ عنوان کتاب را منتشر می‌کند، صرفاً ممکن است هفت یا هشت عنوان از آنها مطرح شده و استقبال و استفاده از بقیه کتاب‌ها در حد متوسط باشد. میرزایی ادامه داد: به یقین نمایشگاه فرصتی را هم برای ناشران ضعیفی که محتوای مناسبی

کتاب هم به پخش داده می‌شود. اگر قرار باشد قیمت تولید محتوا را هم به قیمت کتاب اضافه کنیم حداقل ۵۰ درصد باید به قیمت پشت جلد فعلی اضافه کنیم. این کار نه برای جامعه مخاطب ما ظرفیت دارد و نه ما قصد داریم چنین سیاستی را دنبال کنیم. بخشی از تولید ما پژوهش‌هایی است که هیأت علمی پژوهشکده و یا سایر محققان دانشگاهی انجام می‌دهند و درباره ترجمه هم ما جداگانه از بودجه مؤسسه هزینه‌های ترجمه را می‌دهیم. فعلاً از دست ما این کار بر می‌آید که هزینه‌های تولید را به قیمت تمام شده کتاب اضافه نکنیم.

نمی‌تواند هزینه‌های خود را در بیاورد. ما اگر روزی بتوانیم چرخه اقتصادی انتشارات را نه به سمت سودآوری که به سمت جایگزینی پیش ببریم و با درآمد خود انتشارات بتوانیم کتاب‌های جدیدتر را منتشر کنیم، بسیار خوب می‌شود. میرزایی اضافه کرد: هدف گذاری ما برای رفتن به این سمت است اما در حال حاضر چنین اتفاقی نمی‌افتد و دلیلش هم این است که ما نوع تولید محتوای آثارمان را در پژوهشکده انجام می‌دهیم. یعنی ما هزینه تولید را به هزینه چاپ اضافه نمی‌کنیم. عمده هزینه‌های ما برای کاغذ، زینک، صحافی و طرح جلد و حداکثر ویراستاری می‌رود و در نهایت یک سوم قیمت

نداشته‌اند. آن یک مورد هم به اواخر سال گذشته باز می‌گشت که وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نامه‌ای به کلیه ناشران ارسال و در آن به در اختیار گذاشتن مقداری کاغذ با قیمت مناسب اشاره کرد. ما تا به این لحظه این کاغذ را با وجود پایین بودن قیمت آن به نسبت بازار آزاد خریداری نکرده‌ایم، چرا که نوع کاغذی که برای انتشار کتاب‌های پژوهشکده استفاده می‌کنیم خاص است و از نظر کیفیت از کاغذ پیشنهادی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مطلوب‌تر است. کاغذ حمایتی وزارت ارشاد کاغذ سفید بود که فعلاً استفاده از آن در استراتژی کاری ما نیست، اما در آینده برای انتشار بخشی از کتاب‌ها احتمالاً این کاغذ را خریداری خواهیم کرد. یعنی انتشارات پژوهشکده قرار است برای انتشار کتاب‌های هدایی‌اش از کاغذ حمایتی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی استفاده کند، چرا که برای این کتاب‌ها صرفاً امر مطالعه مهم است، اما مخاطبانی که کیفیت کار و سبکی کاغذ نیز در کنار محتوا برایشان مهم است، می‌توانند کتاب را از کتابفروشی‌ها با همان کاغذ اعلای مورد استفاده ما خریداری کنند.

وزارت ارشاد تاکنون هیچ کتابی از انتشارات پژوهشکده خریداری نکرده است

میرزایی گفت: همانطور که اشاره کردم تاکنون هیچ نهادی حمایت ویژه‌ای از انتشارات پژوهشکده نکرده است، اما این انتظار را از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی داریم که از این به بعد کتاب‌های پژوهشکده ما را نیز در لیست خرید خود برای کتابخانه‌های عمومی کشور بگذارند. هیأت خرید کتاب وزارت ارشاد تاکنون حتی یک کتاب را نیز از پژوهشکده در لیست خرید خود نگذاشته است، اما با توجه به این نکته که کتاب‌های ما آثار تخصصی در حوزه آموزش عالی است و جامعه دانشگاهی کشور در حدود چهار میلیون دانشجو دارد، درخواست داریم تا از این به بعد این کار را انجام دهند. کتابخانه‌های عمومی کشور یکی از مراکزی هستند که معمولاً دانشجویان از آنها استفاده می‌کنند و ممکن است بسیاری از دانشجویان قدرت خرید همه کتاب‌های مورد احتیاجشان را نداشته باشند.

این جامعه شناس در ادامه با اشاره به اینکه انتشارات پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی ناشری تخصصی در زمینه آموزش عالی است و کتاب‌های مورد نیاز دانشجویان و پژوهشگران عرصه آموزش عالی را منتشر می‌کند، گفت: با این اوصاف اما انتشارات پژوهشکده هنوز

دکتر طهرانچی رئیس دانشگاه آزاد اسلامی:

فردی که در مدیریت آموزش عالی فعالیت و زندگی می‌کند اساساً بدون کتاب‌های پژوهشکده نمی‌تواند کار کند



وی در پاسخ به اینکه پژوهشکده و انتشارات آنرا چگونه ارزیابی می‌کنید گفت: واقعیت این است که نمی‌شود به نمایشگاه بیایم و به غرفه پژوهشکده سرزنش و حتماً کتاب می‌گیرم و منتظرم که کتاب‌های آخر را ببینم چرا که به نظرم فردی که در مدیریت آموزش عالی فعالیت و زندگی می‌کند اساساً بدون کتاب‌های پژوهشکده نمی‌تواند کار کند. این کتاب‌ها را به همه مدیران دانشگاهی و همه کسانی که در آموزش عالی کار می‌کنند و حرف می‌زنند توصیه می‌کنم. انصافاً کتاب‌ها خوب انتخاب می‌شود، خوب منتشر می‌شود و بسیار قابل استفاده است.

دکتر محمد مهدی طهرانچی رئیس دانشگاه آزاد اسلامی عصر روز یکشنبه هشتم اردیبهشت‌ماه در بازدیدی که از غرفه پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران داشت در پاسخ به اینکه نمایشگاه کتاب امسال را چگونه ارزیابی می‌کنید گفت: نکته مهم این است که با توجه به وضعیت کاغذ و مشکلات موجود همین که ناشران هنوز سرپا هستند خیلی ارزشمند است و این نشان می‌دهد که هنوز در کشورمان کتاب زنده است.

رضا ماحوزی در گفت و گو با ایننا مطرح کرد حوزه زنان و آموزش عالی را فعال تر کردیم

می بینید؟ چند اثر در حوزه مطالعات زنان برای عرضه در نمایشگاه کتاب دارید؟

در حوزه زنان و آموزش عالی کارهای بسیار خوبی را انجام داده ایم. خوشبختانه این حوزه در چهار سال اخیر فعال تر شده و در نمایشگاه امسال چهار اثر را در این حوزه عرضه خواهیم داشت و امیدواریم بتوانیم به کمک پژوهشگرانی که می توانند در پژوهشکده کار کنند، حوزه زنان و حوزه هایی را که مورد اشاره قرار دادیم با قوت بیشتری جلو ببریم.

آنچه که از صحبت های شما متوجه می شویم این است که پژوهشکده به تعبیری به فلسفه وجودی اش نزدیک شده و در حال پیدا کردن جایگاه خود است تا بدین طریق قطبی برای آموزش عالی و سیاست گذاری تبدیل شود. لطفاً در این باره بیشتر توضیح دهید.

دو نگاه در مورد پژوهشکده و نسبتش با وزارت علوم تحقیقات و فن آوری وجود داشته و دارد؛ یک نگاه مبنی بر این که پژوهشکده یک مرکز فکری برای یک معاونت خاص در وزارت خانه است و یک نگاه مبنی بر آن است که پژوهشکده اتاق فکر همه معاونت های وزارت خانه و حوزه های تحقیقات و فن آوری است. پژوهشکده در سال های اخیر ذیل نگاه دوم حرکت می کند. این باعث شده است که ما سیاست گذاری های خود را در چند حوزه متمرکز سازیم؛ جذب هیئت علمی، تدقیق سیاست های نشر، جذب دانشجو و هدایت نشریات پژوهشکده. به این تعبیر، تمام پژوهشکده خود را به گونه ای ساماندهی می کند که همانطور که شما اشاره کردید، به اساسنامه تعریف شده اش نزدیک شود و مأموریت های بنیادین خود را حول محور آموزش عالی، علم و فناوری متمرکز سازد. امیدواریم در آینده شاهد ادبیات غنی تری برای این حوزه ها باشیم.

بر اساس نتایج این سیاست گذاری ها امیدواریم بتوانیم ارتباط بین دو وزارت علوم و وزارت آموزش و پرورش را به گونه ای سازمند تعریف کنیم. ما تاکنون چندین اثر را درباره ارتباط مدارس و دانشگاه منتشر کرده ایم. باید توجه داشته باشیم حسب تحقیقات موجود، سبک های آموزش در حال تغییر است. علاوه بر این تلقی دانشگاهیان نسبت به



گرفت. در دوره سوم (از نیمه سال ۱۳۹۴ به این طرف) تلاش شد همزمان در چند حوزه سیاست گذاری شود؛ یکی در حوزه مطالعات آموزش عالی بطور خاص، دیگری، برخی از حوزه های جدید از قبیل شهروندی دانشگاهی، دانشگاهی، آموزش عالی و جامعه، اخلاق علم و پژوهش، زنان در عرصه علم و فناوری، توسعه حوزه مطالعات میان رشته ای، تعریف و توسعه حوزه مطالعات علم و فناوری و ... به طور کلی پژوهشکده در دوره سوم فعالیت خود سعی کرد به مرکزی برای ادبیات حوزه آموزش عالی، علم و فن آوری تبدیل شود. حوزه علم و فن آوری حوزه ای است که سیاست گذاری آتی پژوهشکده، بدلیل سنگینی وزن آموزش عالی در شرایط فعلی، معطوف بدان خواهد بود. بنابر این توضیحات در نمایشگاه کتاب امسال سعی می کنیم برای موضوعاتی چون تاریخ دانشگاه، موضوع ایده و فلسفه دانشگاه، مطالعات اجتماعی علم و فناوری، مطالعات زنان و آموزش عالی و ... آثار جدیدی به بازار نشر معرفی کنیم.

با توجه به این که در صحبت هایتان به تغییر رویکرد پژوهشکده در عرصه های مختلف اشاره کردید، تغییر رویکرد پژوهشکده در حوزه زنان را چگونه

در آستانه بازگشایی سی و دومین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران، ناشران و موسسات پژوهشی می کوشند با جدیدترین محصولات خود به میدان بیایند. رضا ماحوزی معاون پژوهشی پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در گفت و گویی که با خبرگزاری ایننا داشته از رویکرد و اقدامات سازمان متبوع خود در نمایشگاه گفته است.

رویکرد پژوهشکده در نمایشگاه کتاب امسال به چه صورت است؟

اگر حیات انتشاراتی پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی را به سه دوره تقسیم کنیم در خواهیم یافت در دوره نخست، پژوهشکده در حوزه های متعددی فرهنگی و اجتماعی همچون حوزه علم، سیاست، اجتماع، فرهنگ، ادبیات و ... آثاری را شناسایی و آن ها را در قالب پژوهش و ترجمه منتشر می کرد. در دوره دوم انتشارات پژوهشکده سعی کرد از رویه قبل فاصله بگیرد و خود را به حوزه سیاست گذاری آموزش عالی نزدیک کند. حسب این سیاست، انتشار کتاب در قالب تالیف و ترجمه وزن کمتری گرفت و بیشتر سیاست نامه ها و گزارش های پژوهش مورد توجه قرار

ناصرالدین علی تقویان درباره آینده کتاب مطرح کرد:

آشفته‌گی نمادین در عرصه کتاب داریم / سردرگمی مخاطبان نمایشگاه نشانه چیست؟



کتاب کاغذی، مکان فیزیکی کتابخانه باید به مبحث آینده کتاب بیندیشیم.

او ادامه داد: معمولاً این روزها زیاد از این گلایه‌ها می‌شنویم که دیگر کسی کتاب نمی‌خواند و همه سرشان در گوشی‌هایشان است و ... واقعیت این است که فکر نمی‌کنم این گلایه کردن‌ها فایده‌ای داشته باشد و خیلی هم فضای نشر دیجیتال و ورود تکنولوژی به عرصه کتاب و کتاب‌خوانی را بد نمی‌دانم. البته از سوی دیگر می‌توان و باید این فضا را نقد کرد. یعنی همان نقدی را که می‌توان به فضای نشر مجازی وارد دانست و با اشاره به عارضه‌هایی که فضای مجازی مثل هر پدیده دیگری دارد می‌توان به کتاب سنتی و کاغذی و آنچه در همین نمایشگاه عرضه می‌شود هم وارد کرد.

این پژوهشگر تاکید کرد: بنیاد نقد من این است که ما به طور کلی دچار یک سرگشتگی نشانه‌ها یا به تعبیری آشفته‌گی نمادین شده‌ایم. به عبارت دیگر نمی‌توانیم ربط هرآنچه که از صنف نماد است را با آن چیزی که باید غیرنماد باشد تشخیص بدهیم و مطمئن باشیم آن دلالتی که می‌کند دلالت واقعی و معناداری است. مثلاً شما با انبوه خبر و محتوا و حتی تحلیل و گزارش و عبارت‌های کوتاه و ... در فضای مجازی مواجه

ناصرالدین علی تقویان با اشاره به نبود سازوکار اجتماعی سالم برای نشر می‌گوید: این حوزه باید یک منطق درونی برای خودش ایجاد کند تا بتواند اثر خوب از اثر بد را برای انتشار تفکیک کند و ما هم به عنوان مخاطب معیاری دستمان باشد که برای انتخاب کتاب متناسب با علایق و نیازهایمان سراغ چه کسی برویم.

ناصرالدین علی تقویان عضو هیئت علمی پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی در گفت‌وگو با خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا)، در پاسخ به این پرسش که درباره آینده کتاب صرفاً فقط بحث بعد فیزیک کتاب و تقابل نشر کاغذی و نشر دیجیتال مطرح است یا ماجرأ فراتر از این قضیه و به نوعی مرتبط با مفهومی به نام «خواندن» است، گفت: قطعاً نمی‌شود این روزها درباره کتاب حرفی زد بدون اینکه نقش و اهمیت داستان فضای مجازی و کتاب دیجیتال را در نظر گرفت. به نظر من آینده این دو حوزه از جهت‌های بسیار مهمی به همدیگر گره خورده است. فارغ از اینکه بخواهیم مویه‌ای بکنیم برای از دست رفتن آنچه که به طور سنتی فضای کتاب و کتاب‌خوانی معرفی می‌کنیم یعنی

مسئولیت اجتماعی دانشگاه عوض شده و این تغییرات باید در سیاست‌گذاری‌های آموزش و پرورش مورد توجه قرار گیرد. در وضعیت فعلی آموزش و پرورش و آموزش عالی راه متفاوتی را طی می‌کنند. اگر به این تفاوت‌ها توجه نشود انسان‌هایی در آموزش و پرورش تربیت خواهند شد که با ورود به دانشگاه با صحنه‌ها و روش‌های رفتاری و فکری متفاوتی روبه‌رو می‌شوند. این صحنه متفاوت ناشی از عدم هم‌سویی با نظام آموزش و پرورش و نظام تربیت‌پذیری است که ضرر آن متوجه نهادهای متعدد و کلیت جامعه خواهد بود.

امسال چند اثر برای عرضه در نمایشگاه دارید؟

از نمایشگاه پارسال تا نمایشگاه امسال ۵۲ اثر را آماده عرضه کرده‌ایم که در کنار آثار منتشر شده قبلی مجموعاً حدود ۴۱۰ عنوان را عرضه خواهیم کرد. در حوزه تاریخ دانشگاه، پیمایش‌های دانشگاهی با مدیریت حسین میرزایی دو حوزه جدیدی هستند که در کنار حوزه‌های فوق‌الذکر در این نمایشگاه ۱۰ عنوانی را به خود اختصاص داده‌اند. امید داریم که در ماه‌های آینده و در نمایشگاه بعدی بتوانیم مجموعه پیمایش‌ها را به صورت کامل منتشر کنیم. این مجموعه، امکان مقایسه را برای پژوهشگرانی که به آمارها و پژوهش‌های کیفی و کمی علاقه دارند فراهم می‌آورد. صحبت‌هایی هم شده که بخش دانشجویی پیمایش‌های ملی ذیل این مجموعه منتشر شود.

شما چند عنوان کتاب برای عرضه در نمایشگاه کتاب دارید که آن را تالیف و یا ترجمه کردید؟

من دو عنوان کتاب که به نام «فلسفه دانشگاه» و «فلسفه علم کانت» را برای نمایشگاه در اختیار علاقه‌مندان می‌گذارم. در مجموعه فلسفه دانشگاه ۲۰ استاد ممتاز و صاحب‌نام ایرانی درباره فلسفه دانشگاه و فلسفه پژوهش دیدگاه‌های خود را عرضه داشته‌اند. این مجموعه با ویراستاری و دبیری علمی من نگاه‌های جدید و نوینی را درباره نسبت فلسفه و دانشگاه در اختیار خوانندگان ایرانی قرار می‌دهد.

گفت و گو

هستید که تکثیر و فورارد می‌شوند و هرکسی هم این امکان را دارد که هم تولیدکننده محتوا باشد و هم توزیع‌کننده و تکثیرکننده یک محتوا و متن و عملاً هیچ پالایشی در این مسیر صورت نمی‌گیرد.

تقوینان همچنین با اشاره به داوری‌ها درباره هرکه تولیدن نمادینی که صورت می‌گیرد، متذکر شد: یک داوری درباره هرکه تولیدن نمادینی که صورت می‌گیرد. پیش‌تر تا حدودی این داوری‌ها و میزبانی‌ها وجود داشت و بالاخره ناشران و مطبوعات و ... معیارهایی داشتند که اثری که می‌خواهند منتشر کنند واجد حداقلی از استانداردهای ماهوی و شکلی باشد. یعنی ناشر که یک مرکزیت و هویت حقوقی مشخصی داشت، مسئولیتی هم برای خود قائل بود که وقتی قرار است یک اثری را منتشر کند دراصل یک اعتباری هم به خالق اثر و متن می‌دهد که من دارم کار تو را منتشر می‌کنم. درست است که خالق اثر هم احتمالاً فرد دانشمندی بوده و تعمیری او هم یک اعتباری به ناشر می‌داده ولی از این طرف هم وقتی من ناشر تصمیم می‌گیرم که اثرت منتشر شود یعنی آن اثر از یک ارزشمندی برخوردار است و آن را به جامعه مصرف‌کننده کالای فرهنگی مکتوب معرفی کرده‌ام.

او سپس در پاسخ به این نقد که به نظر می‌رسد این روزها داستان معکوس شده و این فضای مجازی است که اعتبار برای انتشار یک اثر می‌دهد و ما شاهد چاپ کپشن‌های اینستاگرامی و توییت‌های چند جمله‌ای و ... سلبریتی فلان شبکه اجتماعی هستیم که به گم شدن مقوله «خواندن» دامن می‌زند، اظهار کرد: این نقد همان آشفتگی نمادها یا سرگشتگی نشانه‌هایی است که ما به طور کلی با آن مواجه هستیم و اتفاقاً هم این سرگشتگی نشانه‌ها را در تمامی عرصه‌ها حتی در عرصه رابطه میان آدم‌ها هم می‌بینیم. درواقع شبکه مربوطیت‌ها و نظام مربوطیت‌ها ترک برداشته و خدشه پیدا کرده و رابطه دال و مدلول و رابطه آدم‌ها با همدیگر دیگر از یک منطق روشن و مشخصی پیروی نمی‌کند. او با اشاره به گرہ خوردن آینده کتاب با فضای مجازی و ابزارهای تکنولوژیک نیز یادآور شد: منظورم این است که آینده کتاب از این جهت واقعاً به وضعیت فضای مجازی گره خورده است. حالا اینکه رابطه نشر و فضای مجازی معکوس شده و این فضای مجازی است که به نشر کلاسیک اعتبار می‌دهد و این اعتبار

هم خیلی قاعده روشنی ندارد از آن طرف هم چالش‌هایی دارد.

به گفته این استاد دانشگاه، جدا از شیوه تولید کتاب از محتواهای مجازی که مثال زده شد، با یک نگاه گذرا هم می‌بینیم که تعداد عناوین کتاب‌ها خیلی زیاد است، به ویژه در این ۱۰ تا ۱۵ سال اخیر که رشد فضای مجازی را شاهد بوده‌ایم، متناظر با این رشد در عرصه کتاب به معنای کلاسیک نیز با رشد خیره‌کننده تعداد عناوین و کاهش تیراژ مواجه هستیم.

او تأکید کرد: این نشان می‌دهد خود نشر به معنای کلاسیک جدا از تأثیری که از فضای مجازی می‌گیرد اصلاً به این آشفتگی نمادین و نمادها دامن می‌زند. شما تعداد ناشران کشور را هم بررسی کنید می‌بینید که مراکز و نهادهای متنوع و گوناگونی را می‌بینید که همه امکان انتشار اثر دارند. نمی‌گوییم باید معنی قائل شد یا مثلاً دولت بیاید و کاری کند ولی ما هیچ سازوکار اجتماعی سالمی نداریم که برآیند تولید اثر مکتوب خود با خود پالایش شود. یعنی این حوزه یک منطق درونی برای خودش ایجاد کند به نحوی که این منطق بتواند اثر خوب از اثر بد را برای انتشار تفکیک کند و ما هم به عنوان مخاطب معیاری دستانمان باشد که برای انتخاب کتاب متناسب با علایق و نیازهایمان سراغ چه کسی برویم.

تقوینان افزود: من علاقه‌مند به آثار حوزه فلسفه و علوم اجتماعی اگر بخواهم در همین نمایشگاه کتاب‌هایی را تهیه کنم، به هر غرفه‌ای که سر می‌زنم می‌بینم هم اثر فلسفی عرضه می‌کنند و هم رمان و هم روان‌شناسی شاد زیستن و ... یعنی یک گيجی به بازدیدکننده دست می‌دهد. همه این موارد هم بی‌ربط با وضعیت اجتماعی، فرهنگی و سیاسی حاکم بر جامعه ما نیست. اساساً وقتی بزرگترین منبع متمرکز اعتماد که دولت و حاکمیت است خودش اعتمادزداست چگونه قرار است به سازوکارهایی فکر کنیم که در سطح جامعه اعتماد وجود داشته باشد.

عضو هیئت علمی پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی در ارزیابی نقش بازی‌های اقتصادی حوزه نشر و تجاری شدن چاپ کتاب در این آشفتگی نمادین حاکم بر عرصه فرهنگ مکتوب نیز گفت: من فی‌نفسه تجارت با نشر و اقتصاد نشر را به عنوان یک فعالیت اقتصادی مشکل ساز نمی‌دانم. منطق صنعت فرهنگ نه لزوماً به معنای آدورنویسی قضیه بلکه به معنای سازوکاری

که ارزش اقتصادی در آن اهمیت دارد و بالاخره باید ارزش‌های نمادین با ارزش‌های اقتصادی ربطی پیدا کنند چندان هم بد و نادرست نیست. در همه دنیا هم ناشران معتبر دنیا برای خودشان حساب و کتاب‌های مالی دارند. منتها نکته‌ای که هست و آنچه که در ایران اتفاق افتاده لزوماً به اصطلاح حاکمیت منطق اقتصادی بر فعالیت‌های فرهنگی نیست و کاش تنها مسئله همین بود و مثل انگلستان و آمریکا و ... تنها منطق اقتصادی بر حوزه فرهنگ مکتوب حاکم بود و همه ناشران در یک رقابت آزاد و منصفانه و به پشته‌های قانونی تکلیفشان روشن بود. ولی اینجا بیشتر یک سازوکار مافیایی در بخش اقتصاد و فرهنگ و بر رابطه‌ای که این دو می‌توانند با همدیگر داشته باشند، حاکم است. مشکل ما این است و این مشکل هم تنها مختص به عرصه نشر و تولید کالاهای فرهنگی نیست و در همه حوزه‌ها این مسئله را می‌بینیم.

او اضافه کرد: منطق نظام مافیایی هم این است که قانون حاکمیت ندارد و آنچه که تعیین تکلیف می‌کند نه قانون بلکه زور است. یعنی هرکسی که می‌تواند به منابع اقتدار بیشتری متصل شود و استفاده ببرد اوست که قاعده را تعیین می‌کند و چون صحنه قدرت تغییر می‌کند این قاعده‌ها هم مرتب دگرگون می‌شوند و هیچگاه تبدیل به قانون نمی‌شوند. در حوزه کاغذ و نشر و پخش کتاب هم من می‌شنوم که باند‌های مافیایی وجود دارند که سعی دارند منطق خودشان را اعمال کنند. وخامت اوضاع هم در این عرصه بیشتر وقتی خودش را نشان می‌دهد که پای کتاب‌های کمک‌آموزشی به میان می‌آید و پول‌های کلانی رد و بدل می‌شود و با صنعت کنکور و مدرک‌گرایی خورده و شبکه‌ای پیچیده‌ای برای تنظیم روابط قدرت ایجاد کرده است که این پول‌ها از دایره خاصی خارج نشوند.

تقوینان در پایان تأکید کرد: در مجموع به همان اندازه‌ای می‌توانیم به آینده کتاب خوش‌بین باشیم که در مورد وضعیت کلی اجتماعی و سیاسی‌مان بتوانیم خوش‌بین باشیم و برآورد من این است که چندان این امید در جامعه امروز بالا نیست که به طبع آن به بهبود وضعیت کتاب و کتاب‌خوانی و روشن شدن معیارها و تثبیت قوانین امیدوار باشیم.

جبار رحمانی در گفت و گو با مهر مطرح کرد نمایشگاه کتاب ۱۰ سال است درجا می زند



اشاره کرد: مساله اصلی در صنعت نشر، شبکه توزیع کتاب در ایران است و نه هیچ چیز دیگری. ما شبکه توزیع نداریم. شرکت‌هایی از بخش خصوصی که در این زمینه مشغول فعالیت هستند، سلیقه خاص خود را دارند، اما همین شبکه ناقص هم مناسب نیست و مثلاً کسانی که در اهواز، بیرجند یا بجنورد و... زندگی می‌کنند، دسترسی راحتی به کتاب‌های به‌روز بازار نشر ایران ندارند.

استادیار پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی همچنین بر لزوم مطالعه و طراحی سیستمی برای پخش مناسب کتاب تاکید کرد و گفت: شبکه‌های فعلی توزیع کتاب در ایران، بسیاری از ذائقه‌ها را فیلتر می‌کنند و همین نکته ضرورت فکر کردن مسئولان به این مساله را می‌رساند. مساله پخش کتاب مانند مساله سینما در ایران است. وقتی در شهرستان‌ها سینماهای خوبی نداریم همه می‌آیند که در فستیوال‌ها فیلم ببینند. نداشتن سیستم توزیع مناسب کتاب باعث شده تا مخاطبان و علاقه‌مندان به کتاب، خریدهای خود را صرفاً برای نمایشگاه بگذارند و در طول سال دیگر کتاب نخرند.

رحمانی از فقدان سیستم توزیع کتاب در ایران، به عنوان زمینه ساز برپایی نمایشگاه کتاب تهران یاد کرد و ادامه داد: معمولاً نمایشگاه‌های بزرگ دنیا برای خرید کتاب نیستند. در آن نمایشگاه‌ها تبادل اطلاعات میان ناشران، زمینه سازی برای بستن پیمان‌های همکاری و... انجام می‌شود؛ اما ما نمایشگاه را به دلیل نداشتن سیستم توزیع به یک فروشگاه بزرگ تبدیل کرده‌ایم. بنابراین مخاطب شهرستانی خریدهای کتاب خود را به سالی یکبار در سال کاهش داده و آن را به نمایشگاه کتاب تهران محدود می‌کند، چرا که در این نمایشگاه به هر کتابی که بخواهد، دسترسی دارد.

رحمانی در پایان گفت: در شرایط فعلی برگزاری نمایشگاه کتاب بهترین راه حل است اما اگر سیستم توزیع خوب باشد نیاز به صرف این همه هزینه و زمان برای برگزار کردن نمایشگاه کتاب نیست. معنی ندارد که ما بازار کتاب را بخوابانیم تا بتوانیم سالی یکبار عید کتاب داشته باشیم.

مانند سال‌های گذشته بوده، اما به هر حال قدرت خرید کمتر شده است. از نظر ریالی تقریباً فروش ما مانند نمایشگاه سال گذشته است، اما فراموش نکنیم که قیمت کتاب‌ها دو تا دو و نیم برابر بیشتر شده و همین نشان می‌دهد که تعداد کتاب‌های خریداری شده کمتر است. به طور کل می‌توان گفت که نمایشگاه تاکنون خوب بوده و استقبال مناسبی از آن شده، اما قیمت کتاب‌ها تأثیر معناداری در فروش آنها گذاشته است.

این مردم‌شناس همچنین به نقد شیوه برگزاری نمایشگاه کتاب نیز پرداخت و گفت: اسلوب برگزاری نمایشگاه کتاب تهران، ۱۰ سال است که دارد درجا می‌زند. شما نمی‌توانید منطق معناداری در نوع توزیع غرفه‌ها پیدا کنید. ناشری که مثلاً ۴۰ عنوان کتاب دارد متراژ غرفه‌اش تقریباً نزدیک به غرفه ناشری است که ۲۰۰ عنوان کتاب منتشر کرده است. این بی‌منطقی مساله ساز است، اما در شرایط موجود تنها انتخاب و امکان ما همین نمایشگاه است و باید قدر آن را دانست و از فرصت‌هایی که برای ما پدید می‌آورد نهایت استفاده را کرد.

رحمانی در ادامه مشکل اصلی بازار نشر ایران را نه برگزاری نمایشگاه، که در شبکه توزیع در صنعت نشر دانست. وی در توضیح این نکته

رحمانی، مشاور رئیس پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در حوزه انتشارات می‌گوید ما در ایران بازار سالانه کتاب را می‌خوابانیم، تا هر سال یک عید کتاب داشته باشیم!

جبار رحمانی، عضو هیأت علمی پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و مشاور رئیس این پژوهشکده در حوزه انتشارات به خبرنگار مهر گفت: انتشارات پژوهشکده به نسبت نمایشگاه سال قبل، ۵۳ کتاب تألیف و ترجمه جدید را برای مخاطبان سی و دومین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران به ارمغان آورده است.

وی افزود: مخاطبان کتاب‌های انتشارات پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی نیز تقریباً ثابت و حرفه‌ای هستند، چرا که ما در حوزه مطالعات تخصصی آموزش عالی کار می‌کنیم و بیشتر کسانی مانند دانشجویان مقاطع تحصیلات تکمیلی یا استادان دانشگاه‌ها که این حوزه را دنبال می‌کنند، مخاطبان آثار ما هستند.

رحمانی ادامه داد: تاکنون رجوع به غرفه انتشارات پژوهشکده در نمایشگاه امسال هم



فراخوان دریافت آثار یازدهمین جشنواره بین‌المللی فارابی

چنانچه اثری را واجد شایستگی لازم می‌دانند به معرفی و ثبت آثار پیشنهادی مبادرت ورزند و زمینه شناسایی آثار فاخر را فراهم نمایند. گفتنی است جشنواره بین‌المللی فارابی توسط وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، کمیسیون ملی یونسکو، دفتر منطقه‌ای آی‌سسکو، بنیاد ملی نخبگان و پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری هر ساله برگزار می‌شود.

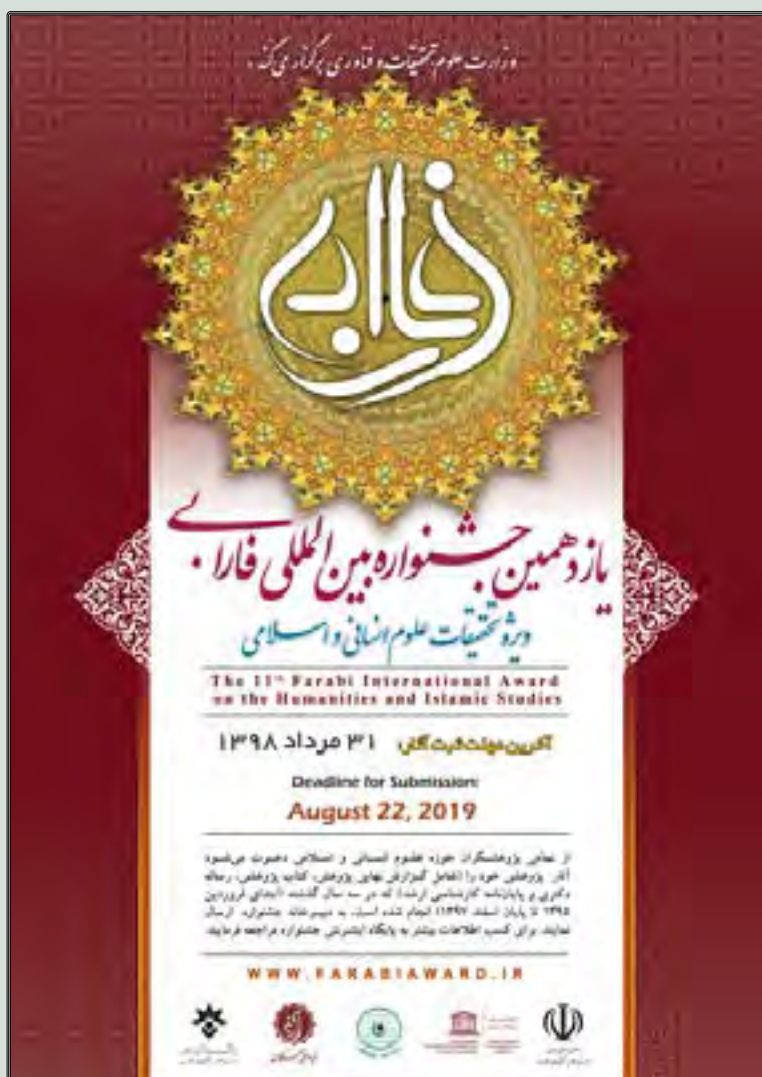
آدرس www.farabiaward.ir از اول خردادماه آثار علمی خود را ثبت کنند. میرزایی همچنین با بیان اینکه ثبت آثار در سامانه جشنواره در دو قالب حقیقی و حقوقی است اظهار داشت: علاوه بر اینکه مولفین و پژوهشگران محترم خود می‌توانند نسبت به ثبت آثار در سامانه اقدام نمایند، ناشران محترم، دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی، انجمن‌های علمی و گروه‌های علمی آموزشی و پژوهشی نیز

دکتر حسین میرزایی رئیس دبیرخانه یازدهمین جشنواره بین‌المللی فارابی با بیان خبر فراخوان یازدهمین دوره جشنواره، زمان دریافت آثار این دوره را از اول خردادماه ۱۳۹۸ تا ۳۱ مرداد ماه سال جاری اعلام کرد. آثار مورد پذیرش جشنواره همچون ادوار گذشته در چهار قالب شامل «کتاب پژوهشی»، «گزارش اختتام یافته پژوهش» «رساله دکتری» و «پایان‌نامه کارشناسی ارشد» است. آثاری که از ابتدای سال ۱۳۹۵ تا پایان اسفند ۱۳۹۷ پایان یافته‌اند می‌توانند در این دوره از جشنواره شرکت کنند.

وی افزود: آثار علمی در این جشنواره در پانزده گروه علمی «اخلاق، ادیان و عرفان»، «تاریخ، جغرافیا و باستان‌شناسی»، «حقوق»، «زبان، ادبیات و زبان‌شناسی»، «علوم اجتماعی و علوم ارتباطات»، «علوم اقتصادی، مدیریت و علوم مالی»، «علوم تربیتی، روان‌شناسی و علوم ورزشی»، «علوم سیاسی، روابط بین‌الملل و مطالعات منطقه‌ای»، «علوم قرآنی، تفسیر و حدیث»، «فقه و اصول»، «فلسفه، منطق و کلام»، «فناوری اطلاعات، اطلاع‌رسانی و کتابداری»، «مطالعات انقلاب اسلامی و امام خمینی (ره)»، «مطالعات هنر و زیبایی‌شناسی» و «مطالعات میان رشته‌ای» دریافت می‌شوند. بخش بین‌الملل جشنواره نیز آثار مربوط به حوزه ایران‌شناسی و اسلام‌شناسی را دریافت می‌کند.

به گزارش دبیرخانه یازدهمین جشنواره بین‌المللی فارابی، همچون ادوار گذشته در بخش ویژه نیز جایزه شخصیت‌های پیشرو علوم انسانی و اسلامی، پیشکسوت علوم انسانی و اسلامی، مترجم برتر، انجمن علمی برتر، نشریه علمی و پژوهشی برتر و نظریه‌پرداز برتر اعطا خواهد شد.

تمامی پژوهشگران حوزه علوم انسانی و اسلامی می‌توانند با مراجعه به سایت جشنواره به



دبیر، رئیس دبیرخانه و دبیر علمی یازدهمین جشنواره بین‌المللی فارابی منصوب شدند

از سوی وزیر علوم، تحقیقات و فناوری:



علمی یازدهمین جشنواره بین‌المللی فارابی منصوب کرد.

در حکم دکتر غلامی خطاب به دکتر نبوی آمده است: «نظر به سوابق علمی، تعهد و شایستگی جناب عالی، بر اساس تبصره ۱ ماده ۷ آئین‌نامه جشنواره بین‌المللی فارابی و پیشنهاد دبیر جشنواره به موجب این حکم به سمت "دبیر شورای علمی یازدهمین جشنواره بین‌المللی فارابی" منصوب می‌شوید. با توجه به نقش اساسی شورای علمی در برگزاری این رویداد علمی مهم کشور انتظار می‌رود آثار فاخر دریافت شده با دقت علمی بررسی و به جامعه علوم انسانی کشور معرفی شود.

تندرستی و توفیق روزافزون جناب عالی را در ارتقای علوم انسانی و اسلامی کشور از درگاه ایزد منان خواهانم.»

وی دکتر حسین میرزایی، رئیس پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم را نیز به عنوان رئیس دبیرخانه یازدهمین جشنواره بین‌المللی فارابی منصوب کرد.

در حکم دکتر غلامی خطاب به دکتر میرزایی آمده است: «نظر به سوابق علمی، تعهد و شایستگی جناب عالی، بر اساس تبصره ۱ ماده ۷ آئین‌نامه جشنواره بین‌المللی فارابی و پیشنهاد دبیر جشنواره به موجب این حکم به سمت "رئیس دبیرخانه یازدهمین جشنواره بین‌المللی فارابی" منصوب می‌شوید. با توجه به نقش اساسی دبیرخانه در برگزاری این رویداد علمی مهم کشور انتظار می‌رود یازدهمین جشنواره نیز با برنامه‌ریزی‌ها و تلاش‌های بایسته، مانند دوره‌های پیشین، به نحو شایسته برگزار شود. تندرستی و توفیق روزافزون جناب عالی را در ارتقای علوم انسانی و اسلامی کشور از درگاه ایزد منان خواهانم.»

وزیر علوم، در حکم جداگانه دیگری نیز دکتر سید عبدالامیر نبوی را به سمت دبیر شورای

وزیر علوم، تحقیقات و فناوری طی احکام جداگانه‌ای دکتر غلامرضا غفاری، دکتر حسین میرزایی و دکتر عبدالامیر نبوی را به ترتیب به سمت‌های دبیر یازدهمین جشنواره بین‌المللی فارابی، رئیس دبیرخانه یازدهمین جشنواره بین‌المللی فارابی و دبیر شورای علمی یازدهمین جشنواره بین‌المللی فارابی منصوب کرد.

در حکم انتصاب دکتر غفاری آمده است: «نظر به سوابق علمی، تعهد و شایستگی جناب عالی، بر اساس ماده ۷ آئین‌نامه جشنواره بین‌المللی فارابی، به موجب این حکم به سمت دبیر "یازدهمین جشنواره بین‌المللی فارابی" منصوب می‌شوید. امید است با برنامه‌ریزی مناسب و بهره‌گیری از ظرفیت‌ها، شاهد برگزاری مطلوب جشنواره باشیم.

تندرستی و توفیق روزافزون شما را در ارتقای علوم انسانی و اسلامی کشور از درگاه ایزد منان خواهانم.»

نشست «وعده روشنگری و اهمیت جامعه‌شناسی فرهنگی» برگزار شد

که پوزیتیویسم دارد این است که دانش جامعه‌شناسی درباره یک واقعیت اجتماعی حقیقی است یعنی چیزی که ما آن را نرمال می‌نامیم و این ایده‌ها را ما در کارهای مارکس متأخر و در کارهای آغازین دورکیم می‌بینیم. استاد دانشگاه لوون بلژیک با اشاره به ایده مارکس که منافع اقتصادی طبقه کارگر با طبقه سرمایه‌دار متضاد است گفت: به همین دلیل تضاد طبقاتی‌ای که بین آنها وجود دارد منطقی است و این همکاری بین دو طبقه است که غیر منطقی است. همچنین مارکس معتقد به آگاهی طبقاتی کاذب هم هست یعنی کارگرهایی که می‌خواهند سرمایه‌داری را حفظ کنند یا اینکه در سازوکار سرمایه‌داری کار می‌کنند آدم‌هایی هستند که از وضعیتی که در آن هستند آگاهی ندارند.

وی افزود: از طرفی یک نوع منطق پوزیتیویستی هم در کارهای دورکیم وجود دارد، دورکیم معتقد است که کار و سرمایه به دنبال منافع اقتصادی یکسانی هستند و به همین دلیل تضاد طبقاتی یک آسیب است و همکاری بین طبقات است که نرمال تصور می‌شود. دورکیم معتقد است که همکاری بین کار و سرمایه در جوامع سرمایه‌داری یک وحدت ارگانیک و نرمال است اما تضاد طبقاتی غیر نرمال است. هوترمان ضمن بیان شباهت بین کارهای دورکیم و مارکس گفت: با اینکه به نظر می‌رسد که هر دو تلاش دارند که دو ایده متفاوت را بیان کنند اما در واقع هر دو نگاه یک سو به پوزیتیویستی دارند چرا که هر دو معتقدند که واقعیت اجتماعی فرهنگ یک واقعیت اجتماعی غیرحقیقی است. یعنی آن چیزی که مردم برداشت می‌کنند به لحاظ اجتماعی اشتباه است و باید با یک دانش درست جایگزین شود. چون هر دو نگاهشان به مردم یک نگاه آسیب‌شناسانه و اخلاقی است و می‌خواهند آن چیزی که اشتباه است را اصلاح کنند.

وی افزود: هر دو معتقدند که اگر تصور کنیم که فرهنگ چیزی است که تصور مردم است پس چیزی اساسی‌تر از این وجود دارد. مارکس معتقد است که جامعه سرمایه‌داری یک جامعه مدرن است و تضاد غیر قابل حلی بین کار و سرمایه وجود دارد، دورکیم معتقد است که جامعه مدرن یک جامعه صنعتی است و منافع مشترکی در صنعت برای همه وجود دارد. هوترمان با بیان اینکه پیامدهای ناخوشایند



معرفت‌شناسی این دو است. به گفته هوترمان: نگاه هستی‌شناسی یعنی اینکه آنها چه تصویری از واقعیت اجتماعی دارند و نگاه معرفت‌شناسی هم این است که آنها چه تصویری از دانش اجتماعی دارند. جامعه‌شناسی پوزیتیویستی معتقد است که در لایه زیرین فرهنگ یک دانش اساسی‌تر وجود دارد که ما باید به دنبال آن برویم و فرهنگ را همان چیزی می‌دانند که مردم تصور می‌کنند. به همین دلیل فرهنگ از اهمیت زیادی برخوردار نیست. در مقابل جامعه‌شناسی فرهنگی فرهنگ را اساسی‌تر می‌دانند و معتقد است که همان چیزی که مردم به عنوان فرهنگ می‌دانند و برداشت می‌کنند اساسی‌تر و مهم‌تر از آن چیزی است که در واقعیت اتفاق می‌افتد. یعنی آن چیزی که فکر می‌کنیم مهم‌تر از واقعیتی است که رخ می‌دهد.

وی در ادامه افزود: این ایده اصلی جامعه‌شناسی فرهنگی با ایده‌های پوزیتیویستی که از روشنگری گرفته شده است تضاد دارد، اگر بخواهیم فرهنگ را اساسی‌تر بدانیم و وای آن را در نظر بگیریم یک حقیقت اساسی‌تر وجود دارد و واقعیت اجتماعی چیزی است که ما با فرهنگ نمی‌توانیم به آن دست پیدا کنیم. جامعه‌شناسی باید به دنبال دانشی باشد که آن واقعیت اجتماعی را پیدا می‌کند. هوترمان یادآوری کرد: برداشت سوم

نشست «وعده روشنگری و اهمیت جامعه‌شناسی فرهنگی» با حضور پروفیسور دیک هوترمان استاد جامعه‌شناسی دانشگاه لوون بلژیک دوشنبه ۱۹ فروردین ماه در سالن دکتر قانع‌ی راد پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی برگزار شد.

در ابتدای این نشست دیک هوترمان با بیان اینکه در این ارائه قصد دارم به سه پرسش مهم پاسخ دهم گفت: این سه پرسش عبارتند از: جامعه‌شناسی فرهنگی چیست؟ چرا جامعه‌شناسی فرهنگی به جامعه‌شناسی پوزیتیویستی ارجحیت دارد و درواقع مشکل جامعه‌شناسی پوزیتیویستی چیست؟ و اینکه ما چگونه می‌توانیم پژوهش کمی را در جامعه‌شناسی فرهنگی تقویت کنیم.

وی در ادامه افزود: تفاوت بین جامعه‌شناسی فرهنگی و جامعه‌شناسی پوزیتیویستی چیزی است که به لحاظ روش‌شناختی اشتباه گرفته می‌شود. یعنی همان چیزی که همگان تصور می‌کنند که جامعه‌شناسی پوزیتیویستی از روش‌های کمی استفاده می‌کند اما جامعه‌شناسی فرهنگی از روش‌های کیفی استفاده می‌کند، در صورتیکه ما هر دو مدل را در جامعه‌شناسی فرهنگی داریم. اما حقیقت این است که تفاوت در هستی‌شناسی و

نشست «جایگاه نشر دانشگاهی در دیپلماسی علمی» برگزار شد



توسط پژوهشکده و شورای راهبردی روابط خارجی آمده است گفت: اگر هدف دیپلماسی علمی همین باشد که در این کتاب آمده است یعنی تلاش بین‌المللی از طریق علم برای برقراری روابط با کشورهایی دیگر که با آنها ارتباط حسنه‌ای نداریم. باید گفت که امروزه شاید نقطه‌ای که برای ما مانده است دیپلماسی علمی است و می‌توانیم تعاملات دانشگاهی با جهان را به مثابه یک فرصت مهم داشته باشیم و نشر دانشگاهی هم یکی از اضلاع این مسئله است. در فضای کنونی نقش دیپلماسی علمی و به‌ویژه وزارت علوم برای پیدا کردن روزه‌ای برای برون رفت از شرایط کنونی کشور بسیار مهم است و ظرفیت‌های بسیاری دارد که می‌تواند به بهبود کشور کمک کند و درواقع نشر دانشگاهی و تعاملات دانشگاهی می‌تواند گره‌گشایی بسیاری داشته باشد.

دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه تهران با بیان اینکه در سال‌های اخیر در وزارت علوم کارهای ارزشمندی در راستای این امر انجام شده است گفت: در سطح دانشگاه‌های سطح یک ارتباطات زیادی انجام گرفته است اما باید توجه کنیم که کار بسیار سخت و زمان‌بری است. درواقع این کاری است که دانشگاه‌های ما و راین‌های علمی ما در نقاط مختلف جهان. دنبال می‌کنند. راین‌های علمی ما یکی از ابزارهای اصلی برای دیپلماسی علمی هستند که باید برنامه‌ریزی‌های دقیقی برای آن داشته باشیم.

نشست «جایگاه نشر دانشگاهی در دیپلماسی علمی» یک‌شنبه در محل سالن ملل نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران با حضور دکتر حسین میرزایی، دکتر حسین ابراهیم آبادی، و دکتر جبار رحمانی با مدیریت دکتر عبدالامیر نبوی برگزار شد.

در ابتدای این مراسم دکتر نبوی با طرح این پرسش از سخنرانان که وضعیت نشر دانشگاهی چگونه است؟ برنامه را آغاز کرد و در ادامه هرکدام از سخنرانان به آن پاسخ داد.

دکتر حسین میرزایی رئیس پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری با اشاره به اینکه تا توصیف خوبی از شرایطی که در آن قرار داریم نداشته باشیم نمی‌توانیم راه حل مناسبی برای آن داشته باشیم گفت: زمانی امکان تعامل داریم که زبان مشترکی داشته باشیم و تا امکان تبادل نباشد شناختی هم حاصل نخواهد شد و حرکت در ابهام خواهد بود. چون تبادل صورت نمی‌گیرد پس این شناخت که جایگاه ما در عرصه بین‌المللی کجاست هم حاصل نخواهد شد.

وی با بیان اینکه نباید به امر نشر دانشگاهی به صورت نقطه‌ای و جزیره‌ای نگاه کرد گفت: نشر دانشگاهی را باید به صورت یک مجموعه در نظر گرفت تا بتواند به شناساندن ما در عرصه بین‌المللی کمک کند.

میرزایی با اشاره به تعریفی از دیپلماسی علمی که در کتاب «علم و دیپلماسی» منتشر شده

پوزیتیویسم برشمرد و گفت: سیاست جایگزین علم شده است و جامعه‌شناسی هم به یک دین جدید تبدیل شده است یعنی همان گونه که مارکس و دورکیم نگاهی اخلاقی به جامعه دارند و انگار جامعه‌شناسی را به یک علم سکولار تبدیل کرده‌اند که چه چیزی اخلاقی یا غیر اخلاقی و چه چیزی درست یا درست نیست؟ دیگر اینکه افرادی که دانش آکادمیک ندارد را در حاشیه قرار می‌دهد. استاد دانشگاه لوون بلژیک در ادامه با اشاره به اینکه در نگاه فرهنگی و برهم‌انگیختارهایی به کنش‌های مردم وجود دارد گفت: این به جامعه‌شناسی فرهنگی ارتباط دارد. در کارهای متأخر دورکیم هم جهان‌بینی‌های مردم به عنوان محرکی برای کنش‌هایشان دیده می‌شود. به هر حال هر دو اینها نشان می‌دهد که یک ارتباط علمی بین اتفاقاتی که می‌افتد وجود دارد. یعنی ویر و دورکیم هر دو به اینها معتقدند.

وی با اشاره به کاری که در دهه ۹۰ با عنوان طبقه مرده انجام داده است گفت: نگاهی که به طبقه در قبل وجود داشت صرفاً اقتصادی بوده و درکی که از طبقه وجود داشت این بود که طبقه کارگر براساس منافع اقتصادی‌اش تعریف می‌شود و چون الان دیگر قابل تحلیل نیست که چرا طبقه کارگر به احزاب چپ رای نمی‌دهند و به احزاب راست گرایانه‌تر رای می‌دهد؟ این با آن برداشتی که جامعه‌شناسان داشتند نمی‌خوانده است.

به گفته هوتمان: یافته‌های تجربی نشان می‌دهد که بعد از جنگ جهانی دوم ارتباط مستقیم بین طبقه و سرمایه اقتصادی و نوع رای‌دهی تغییر پیدا کرده است. برای همین، این تصور اشتباه که بعد از جنگ جهانی دوم دیگر مردم طبقاتی رای نمی‌دهند بوجود آمده است.

هوتمان گفت: ماباید دو عامل، یکی سرمایه اقتصادی و دیگری سرمایه فرهنگی را در نظر بگیریم. باید توجه کنیم که ما عامل مهمی را در بررسی طبقاتی در رای دادن در نظر نگرفته‌ایم یعنی درواقع اینگونه نبوده که طبقه از بین رفته است بلکه یک عامل خیلی مهم به اسم فرهنگ را در نظر نگرفته‌ایم. ماباید فرهنگ را یک لایه زیرین بدانیم بلکه نگاهمان به فرهنگ باید خیلی سوبژکتیوتر از چیزی باشد که تا کنون بوده است.

نشست «آموزش عالی و مخاطرات زیست محیطی» برگزار شد



نشست «آموزش عالی و مخاطرات زیست محیطی» در سالن شهید مطهری نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران برگزار شد.

در این نشست دکتر رضا ماحوزی معاون پژوهشی پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی در این نشست سخنان خود را در ابتدا با بیان رویکردهای تاریخی مواجهه با طبیعت آغاز کرد و گفت: برای اینکه بدانیم آموزش عالی فعلی چه مضامینی برای موضوع محیط زیست دارد و چگونه می‌تواند در معضل مخاطرات زیست محیطی ایفای نقش کند، لازم است بدانیم رویکردهای دانشی و گفتمانی کلان در باب محیط زیست کدام‌ها است و اینک در کدامین گفتمان، آموزش عالی به محیط زیست نظر دارد.

به گفته ماحوزی: به لحاظ تاریخی، گفتمان سنتی، محیط زیست را در سپهر کیهانی مورد توجه قرار می‌داد به این معنا که طبیعت و محیط زیست واجد شعور بخشی از کیهان و هستی لحاظ می‌شد که بلحاظ وجودی با دیگر بخش‌ها و پاره‌های هستی مرتبط بود. این ارتباط در لسان افلاطون به مشارکت و بهره‌مندی و به لسان عرفای مسلمان به سایه و به لسان حکمای اسلامی به حضور حقیقت در رقیقه تعبیر شده است. در این رویکرد، آدمی موجودی از هستی است که از تمامی بخش‌های معقول و نفسی و جسمی (طبیعی) برخوردار است و لذا خود در کیهان و با کیهان است؛ در کیهان بودن که برای او مسئولیت شناخت موجودات و شناخت خود و اتحاد با معرفت‌شناسی به دست آمده را مقرر می‌دارد. در این بینش آدمی پاسدار طبیعت و

علمی وجود یک نهاد حرفه‌ای برای ساماندهی ضروری به نظر می‌رسد تا مسایل این حوزه را ساماندهی کند.

دکتر جبار رحمانی عضو هیئت علمی پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی در ادامه این نشست با بیان اینکه دیپلماسی علمی حاصل تلاقی دو نهاد علم و دیپلماسی است بر لزوم توجه به زیرساختهای دیپلماسی علمی در ایران تاکید کرد. این زیر ساختها هم در نهاد علم و هم در نهاد سیاست و دیپلماسی باید فراهم شود. در نهاد علم، و ما در برنامه‌های آموزشی خود برای مواجهه با جهان بیرون از خودمان، همچنان با مشکل مواجه‌ایم، ما برای گفتگو با جهان غرب، شرق و حتی همسایگان و تعامل با آنها خلاءهایی داریم. برنامه‌های آموزشی ما باید در این راستا صورت بگیرد چرا که فعالیت‌های ما به صورت جزیره‌ای است. امروز وقتی از دیپلماسی علمی حرف می‌زنیم، بطور کلیشه‌ای به غرب و زبان انگلیسی فکر می‌کنیم. در حالیکه منطقی و اساسا از کشورهای خاورمیانه عربی و آسیای میانه غافل شده‌ایم درحالی که در این حوزه ظرفیت‌های بسیاری وجود دارد و به دلیل اشتراکات تاریخی و فرهنگی، فرصت‌های بسیاری برای ایجاد همکاری‌ها و سنت‌های علمی و دیپلماتیک مشترک وجود دارد.

این عضو هیئت علمی پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی با تاکید بر اینکه دانشجویان و اساتید ما به لحاظ ذهنی و مهارت‌های علمی، دچار نوعی در خود فروماندگی هستند و ما معمولا جزیره‌ای بار آمیدیم گفت: ما افراد را به صورت جزیره‌های بار می‌آوریم اما انتظار داریم که بین‌المللی بیاندیشند.

رحمانی با اشاره به سرنوشت مراکز ایران‌شناسی و اضمحلال آنها طی ۴ دهه اخیر یادآور شد: متأسفانه در این برهه زمانی بسیاری از مراکز ایران‌شناسی استحاله شدند، در حالیکه ایران‌شناسان قدیمی از دنیا رفته‌اند مراکز ایران‌شناسی اغلب به مراکز مطالعات خاورمیانه با بودجه‌های عربی تبدیل شده است. و این همه ناشی از غفلت دستگاه دیپلماسی ما از مساله دیپلماسی علمی و اهمیت آن برای آینده سیاست خارجی ایران است.

دکتر حسین ابراهیم آبادی رئیس مرکز نشر دانشگاهی در این نشست مشکلات نشر دانشگاهی در عرصه بین‌الملل را معطوف به دو حوزه محتوا و تبادل اطلاعات و تعامل دانست و گفت: زبان تولید محتوای ما از لحاظ فرم و محتوا جهانی نیست و از سوی دیگر در تبادل اطلاعات در عرصه بین‌الملل دانشگاه‌مان تحت تاثیر مسایل سیاسی است. همچنین نگاه جزیره‌ای در ایران نخستین ترکشش به دانشگاه خورده و از همین رو در حوزه نشر برای انتقال دانش موانع بسیاری داریم و گفتگوی ما کم است.

عضو هیئت علمی پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم با بیان اینکه تعامل در عرصه بین‌الملل مبتنی بر کنش است، ادامه داد: دانشگاه‌ها و محققان ما کنش لازم را برای فعالیت‌های علمی در این حوزه ندارند. درحالی که کتاب یکی از اشکال جدی نشر دانشگاهی است، باید روی ارائه شکل‌های دیگر نیز فکر کرده و برنامه‌ریزی داشته باشید.

به گفته ابراهیم‌آبادی باید در این مسیر خودانتقادی‌تر باشیم چرا که بحث دیپلماسی علمی به صورت عام پس از مسایلی که بر سر برجام آمد، جدی‌تر شده و راه گفتگو را باز کرده است. به همین دلیل نباید در مساله دیپلماسی تنها به نگاه داخلی اکتفا کنیم و بازخوردهای بیرونی را هم در این باره بررسی کنیم.

مدیر نشر دانشگاهی با تاکید بر دشوار بودن دیپلماسی علمی در جهان امروز یادآور شد: در حالی که در اجرای سیاست‌های خارجی، منطقه‌ای و... مشکل داریم، سخن گفتن از دیپلماسی علمی و اجرای آن بسیار دشوار است و البته در این حوزه نباید تنها حرف بزنی بلکه کنش محور اصلی است. از این رو باید تلاش کنیم تا با استفاده از ظرفیت‌های موجود درباره دیپلماسی علمی حرکت کنیم.

وی ادامه داد: برای هموارتر کردن دیپلماسی علمی ابتدا باید مساله اقتصاد نشر را حل کنیم چرا که در غیر این صورت امکان حضور در عرضه جهانی را نداریم. باید تلاش کنیم به مسایل و کارهای مشترک با کشورهای دیگر نزدیک شویم و در واقع نقشه‌های همکاری را که پیش از این ساماندهی نشده، اصلاح کرده و در این زمینه تجمیع استعداد کنیم.

ابراهیم‌آبادی در پایان گفت: در دیپلماسی

این مأموریت‌ها پروژه‌های متعددی در قالب بورسیه‌های تحصیلی، تنظیم متون درسی، تربیت کنش‌گران فعال آموزش دیده و غیره تعریف شد.

ماحوزی در پایان یادآور شد: باید توجه داشت که لازمه فعالیت آموزش عالی نوین در رویکرد سوم، استقلال دانشگاه و مسئولیت‌پذیری آن در قبال جامعه و محیط زیست است. امروزه می‌توان در دانشگاه‌های ایران با اعطای آزادی نسبی و تعریف مکانیسم‌های مسئولیت‌پذیری و استفاده از ظرفیت‌های دروس عمومی برای آموزش‌های نظری و عملی شهروندی دانشگاهی و مسئولیت جامعه دانشگاهی در قبال محیط زیست و مهمتر از همه، سواد زیست محیطی، رویای اهتمام جدی و مسئولانه دانشگاهیان به محیط زیست را واقعیت بخشید و ایران را از وضعیت تأسف‌برانگیز فعلی که یکی از کشورهای آلوده و پرمخاطره زیست محیطی در جهان است، خارج کرد.

وی یادآور شد: این رویکرد که خیلی سریع آموزه‌های خود را در قالب عقلانیتی جهان‌شمول و کلی به سطح دانشگاه‌های مدرن قرن نوزدهم آورد و تا یک قرن و نیم دوام یافت، پاسداشت طبیعت را از آن رو ضروری می‌داند که بودن طبیعت اندام‌وار سالم را لازمه دستیابی به آرزوهای انسان می‌داند. به این معنا برای مدرن‌ها، طبیعت وسیله‌ای در خدمت انسان است و لذا ضروری است از وسیله به خوبی مراقبت شود.

به گفته استاد دانشگاه: علاوه بر دو رویکرد فوق، در نیمه دوم قرن بیستم و با آغاز فعالیت دانشگاه‌های محلی مسئولیت محور، موضوع محیط زیست و مخاطرات زیست محیطی از منظری دیگر مورد توجه قرار گرفت. در این الگوی دانشگاهی به جای پارادایم‌های کلی و جهان‌شمول در دو موج نخست، به مسئولیت‌های کوچک و محلی مراکز آموزشی و پژوهشی توجه شد و متناسب با

محیط زیست است چرا که طبیعت برای او هم مخلوق خدا است و هم پراز نشانه و آیت شناسایی حق و هم اینکه طبیعت، پراز حضور خداوندی است و لذا مقدس است.

عضو هیئت علمی پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی در ادامه افزود: در مقابل این رویکرد، رویکرد مدرسه‌هایی چون یکن و لاک و کانت و دیگران قرار دارد که طبیعت را وسیله قدرت‌یابی انسان و سوژه مدرن می‌دانند. برای آن‌ها طبیعت، موجودی بی‌شعور است که متعلق شناخت و احساس انسان قرار می‌گیرد تا آدمی بتواند حسب شناخت حاصل آمده از فعالیت ذهنی خود، قدرت یابد و به تعالی برسد. برای کانت، طبیعت موجودی اندام‌وار است که به آدمی کمک می‌کند تا راحت‌تر بتواند بر نزاع علیه اخبار و علیه اراده آزاد اخلاق غلبه کند و به عقلانیت محض و آزادی و تقدس و رفاه و رشد در چارچوب اندیشه مدرن دست یابد.

اولین جلسه سال ۱۳۹۸ رؤسای پژوهشگاه‌های ملی کشور برگزار شد



اقدامات اجرایی مربوط به جلسات پیشین با رئیس محترم مجلس شورای اسلامی، وزیر محترم علوم، رئیس محترم مرکز پژوهش‌های مجلس و برگزاری جلسات جهت معرفی ظرفیت‌ها و دستاوردهای پژوهشگاه‌های ملی کشور به سایر مسئولین طراز اول کشور از جمله برنامه‌های پیش رو است.

کشور آلمان (ماکس پلانک) به عنوان یک نمونه مورد مطالعه و بحث قرار گرفت و درباره ضرورت استفاده از ظرفیت‌های پژوهشگاه‌ها توسط اعضای هیئت علمی پژوهشگاه‌های دیگر و هم‌افزایی تأکید شد.

در ادامه این نشست امور مربوط به برنامه‌ریزی لازم درباره فعالیت‌ها و بودجه سال ۱۳۹۸ و تقویم جلسات مورد بررسی قرار گرفت و پیگیری

نخستین جلسه روسای پژوهشگاه‌های ملی کشور، سه‌شنبه ۲۷ فروردین‌ماه ۱۳۹۸ در محل سالن دکتر قانع‌راد پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم برگزار شد.

در این نشست نحوه همکاری‌های مشترک بین پژوهشگاه‌ها بررسی شد و طی این بررسی تجربه

دکتر برات قبادیان معاون آموزش، پژوهش و فناوری وزارت صمت:

پژوهشکده با حمایت وزارت صمت توانایی گشایش افق های جدید را دارد



صنعتی چهارم و ایجاد اشتغال پایدار و زایشی است. معاون آموزش، پژوهش و فناوری وزارت صمت گفت: ما توانسته ایم علم را در کشور همچون جوامع پیشرفته جا بیاندازیم و آن را تقاضامحور کنیم. در بخش صنعت ما هیچگاه نیامده ایم یک آزمایش صنعتی - سرزمینی انجام دهیم و بر اساس آن صنایع مان را در استان های مختلف پایه ریزی کنیم. حتی در جانمایی صنایع بزرگ نیز دچار خطاهای استراتژیک شده ایم؛ چنان که صنایع انرژی بر و آب بر را در فلات مرکزی ایران تأسیس کرده ایم. وی با اشاره به انقلاب صنعتی چهارم که دنیا را متحول کرده است گفت: ما خودمان را برای این انقلاب آماده نکرده ایم و معتقدم پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی می تواند در این راستا کمک شایانی داشته باشد. ما باید شئون این انقلاب را بدانیم و خیلی سریع تبعات و نحوه مواجهه با آن را فرا بگیریم. برای این کار لازم است پس از عقد تفاهم نامه با پژوهشکده، همکاری هایی را آغاز کنیم.

دکتر قبادیان خاطرنشان کرد: اساساً صنعت به پژوهش و پژوهشکده نیاز دارد؛ مبدا دیر شود و انقلاب صنعتی چهارم به صورت یک سونامی ما را غافلگیر کند و به یکباره اقتصاد، دولت و کشور را به قهقرا ببرد و نتوانیم حتی ادامه حیات دهیم. وی در پایان اظهار امیدواری کرد تا به خصوص ابعاد فرهنگی و اجتماعی، صنعت و تجارت توسط پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی با حمایت وزارت صمت افق های جدیدی را درنوردد.

دکتر رضا ماحوزی معاون پژوهشی و آموزشی پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی نیز با معرفی برخی از فعالیت های این پژوهشکده، به برخی از زمینه های همکاری پژوهشی و آموزشی مشترک با وزارت صمت اشاره کرد. آمایش آموزش عالی متناسب با نیازهای وزارت صمت، بررسی زمینه های عقب ماندگی های صنعتی در مناطق محروم، تعهدات وزارت صمت و وزارت عتف در قبال محیط زیست و تحولات سبک زندگی در مناطق صنعتی از زمره موارد پیشنهادی توسط دکتر ماحوزی بود.

دکتر حسین ابراهیم آبادی عضو هیئت علمی پژوهشکده نیز در این نشست با اشاره به جوان بودن و ارتباط خوب پژوهشکده با استادان حوزه های مختلف، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی گفت: پژوهشکده ظرفیت های بسیار قدرتمندی دارد. اساساً پژوهشکده تأسیس شده است تا از نگاه جامعه شناسی، روانشناسی، علوم انسانی و غیره به توضیح پدیده های حوزه علم و فناوری بپردازد. به گفته وی: گفتگوهای بین حوزه علوم انسانی و صنعت می توانند ما را به مسئله یابی اصلی و نحوه ارتباط عینی تر نزدیک کند.

همچنین اداره علمی بخش های مختلف تخصصی کشور چندان مطلوب نیست.

وی تصریح کرد: به عنوان مثال: چرا چهار میلیون دانشجو تربیت شود؟ چرا این مقدار ۱۰ میلیون یا کمتر نباشد؟ این مقدار دانشجو براساس کدام تقاضا و خواست گرفته شده است؟ ما در این زمینه خطاهایی داشته ایم. تا الان ما کشور را براساس درآمدهای نفتی بدون محدودیت اداره کردیم اما دیگر نمی توانیم. شاید تنها در عرصه پزشکی آن هم بدان دلیل که با سلامتی ما در ارتباط است از علم استفاده می کنیم و وضعمان خوب است.

دکتر قبادیان درخصوص برنامه ارتباط صنعت و دانشگاه گفت: از سال گذشته استفاده از توانمندی های داخلی و بی نیازی از خارج را شروع کرده ایم و برای این کار در سال جاری، ۱۰ برنامه کلیدی برای وزارت صمت تعریف کرده ایم که یکی از این کارها طرح تاپ (توانمندسازی تولید و توسعه اشتغال پایدار) است. طبق این طرح، از طریق طرف تقاضا (بنگاه های صنعتی، معدنی و تجاری)، تقاضاهای علمی و فناورانه حوزه صمت ثبت می شود و از سوی دیگر، طرف عرضه (پژوهشگران و فناوران) متناسب با آن تقاضاها، قدم بعد را برمی دارند.

وی افزود: در راستای این ارتباط، هدف ما در گام اول تقاضامحور کردن پایان نامه ها و رساله ها به منظور حل معضلات و مشکلات علمی و فنی موجود و دانش بنیان کردن تولید کالاها و عرضه خدمات است. در گام بعد، ایجاد واحدهای تحقیق و توسعه در بنگاه ها و گام نهادن در مسیر اهداف انقلاب

دکتر برات قبادیان معاون آموزش، پژوهش و فناوری وزارت صمت، معدن و تجارت ضمن بازدید از پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، در جمع اعضای هیئت علمی این پژوهشکده حضور یافت. دکتر حسین میرزایی رئیس پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی در ابتدای این نشست، پس از معرفی ظرفیت ها و پتانسیل های این پژوهشکده، بر لزوم ارتباط بین دانشگاه، جامعه و صنعت تأکید کرد.

وی با تأکید بر ضرورت توجه به پژوهش های اجتماعی و فرهنگی بخش صنعت توجه به ارزیابی تاثیر اجتماعی را قبل، حین و پس از انجام پروژه های صنعتی بسیار مهم دانست که از آن غفلت شده است و ضروری است تا علوم اجتماعی در متن صنعت دیده شود نه در حاشیه آن.

رئیس پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی از جشنواره بین المللی فارابی ویژه تحقیقات علوم انسانی به عنوان فرصتی یاد کرد که می شود جایزه ویژه تحقیقات کاربردی را چنانچه وزارت صمت حمایت کند در حوزه مربوطه امسال مد نظر قرار داده و تقدیر از آثار را هدفمندتر کرد.

در ادامه دکتر قبادیان با تأیید این نکته که این جلسات می تواند ما را به نتایج ملموس تر و واقعی تر نزدیک کند گفت: ما باید همزمان هم به وضع موجودمان و هم به تحولات آتی انقلاب صنعتی چهارم که از سال ۲۰۱۲ آغاز شده است توجه داشته باشیم. درخصوص وضع موجود، واقعیت این است که وضع مان در زمینه ارتباط صنعت با دانشگاه و

مراسم رونمایی از کتاب‌های

«سیاست زبانی در بین‌المللی‌سازی آموزش عالی در ایران» و «تجارب زیسته بین‌المللی دانشگاهیان ایران»



کتاب‌های «سیاست زبانی در بین‌المللی‌سازی آموزش عالی در ایران» و «تجارب زیسته بین‌المللی دانشگاهیان ایران» که به کوشش فیروزه اصغری عضو هیئت علمی پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی منتشر شده‌اند، در غرفه انتشارات این پژوهشکده در نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران رونمایی شدند. این مراسم شنبه هفتم اردیبهشت ساعت ۱۱ با حضور مولف در محل غرفه انتشارات پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم در نمایشگاه کتاب تهران واقع در شبستان، راهرو ۲۶ غرفه شماره ۳۰ برگزار شد.

رونمایی از کتاب

«عدالت جنسیتی در آموزش عالی ایران»

کتاب «عدالت جنسیتی در آموزش عالی ایران» تألیف لیلا فلاحتی عضو هیئت علمی پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی در غرفه انتشارات این پژوهشکده در نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران رونمایی شد.

این مراسم یک‌شنبه هشتم اردیبهشت ساعت ۱۱ با حضور مولف در محل غرفه انتشارات پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم در نمایشگاه کتاب تهران واقع در شبستان، راهرو ۲۶ غرفه شماره ۳۰ برگزار شد.



کتاب «زنان در جهان دانشگاهی» رونمایی شد

کتاب «زنان در جهان دانشگاهی» ویراسته ربه کاراجرز و پاسکال مولینیه که به همت خدیجه کشاورز عضو هیئت علمی پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی و عطیه اصغرزاده ترجمه و توسط پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی منتشر شده است در غرفه انتشارات این پژوهشکده در نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران رونمایی شد.

این مراسم سه‌شنبه دهم اردیبهشت ساعت ۱۱ با حضور مترجمان در محل غرفه انتشارات پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم در نمایشگاه کتاب تهران واقع در شبستان، راهرو ۲۶ غرفه شماره ۳۰ برگزار شد.



ده عنوان کتاب جدید در حوزه «علم و فناوری»

انتشارات پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم و تحقیقات و فناوری با ده عنوان کتاب جدید در حوزه مطالعات علم و فناوری، در سی و دومین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران حضور داشت.

آن ره که آمدیم

کتاب «آن ره که آمدیم» درآمدی تحلیلی بر تاریخ و جامعه‌شناسی مسأله‌ی علم در ایران مجموعه نشست‌های «مسأله‌ی علم در ایران» تألیف: منوچهر آشتیانی، محمّدامین قانع‌راد و اسمعیل خلیلی است که توسط انتشارات پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم منتشر شده است.

در پشت جلد این کتاب آمده است: پرسش مسلط اثر حاضر، «پرسش از خرد، اندیشه، معرفت و علم در ایران» است. درباره‌ی این چهار مقوله به طرح بحث ژرف، نو و ریشه‌ای با توجه به پاسخ‌های ازپیش‌آماده و مبتنی بر پیش‌فرض‌های مستقل از فروض و پاسخ‌های متعارف پرداخته و نیز پاره‌یی پرسش‌های اصولی را، به‌ویژه درباره‌ی چیستی و تاریخ‌تطور فاهمه در ایران در میان گذاشته است.



انقلاب علمی

کتاب «انقلاب علمی» حلقه‌ی گمشده‌ی تمدن مسلمانان در سیر تحول علم تجربی تألیف عبدالله فرهی در ۵۸۴ صفحه توسط انتشارات پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری منتشر شده است.

در پشت جلد این کتاب آمده است: نقاط عطف مهمی را می‌توان در تاریخ جوامع بشری یافت که انسان با عبور از جهل و خرافه و درک عقب‌ماندگی خود، بر بال دستاوردهای تمدنی پیشین به سوی علم و دانشی نوین پر کشیده است. این علم و دانش، ابزاری اساسی برای شکل‌دهی به تمدن نوینی بود که معمولاً به دنبال عصری مملو از شک و تردید نسبت به دستاوردهای پیشینیان و ایجاد پرسش‌هایی اساسی و بی‌پاسخ، و البته به پشتوانه‌ی قدرت و حکومتی سیاسی صورت می‌گرفت. تأکید این پژوهش بیشتر بر یکی از بزنگاه‌های مهم تاریخی مربوط به سده‌های دوم تا چهارم هجری (هشتم تا دهم میلادی) است که مقارن با عصر نخست خلافت عباسی بوده است؛ به‌ویژه آنکه سخن از علم‌ورزی در تمدن مسلمانان تا پیش از این زمان چندان امکان‌پذیر نیست.



تجدد رماتیک و علوم شاهی

کتاب «تجدد رماتیک و علوم شاهی» تألیف رضا نجف زاده توسط پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی منتشر شد.

موضوع اصلی این مجلد درواقع سازوکارها و چگونگی عملکرد قدرت در قالب پاره‌های عمده‌ای از نهادهای اصلی دانایی رسمی در دوره‌ی پهلوی هاست. شناخت تاریخ مدرنیته‌ی ایرانی و سرگذشت سیاست‌گذاری‌های رسمی متجددانه، بدون توجه به بنیان‌های معرفت‌شناختی ایدئولوژی‌های توسعه و تجدد و ترقی ابتر خواهد بود. پژوهش حاضر درصدد نورتاباندن بر سویه‌های معرفت‌شناختی کمترشناخته‌شده‌ی ایدئولوژی تاریخ‌باورانه‌ی تجدد بومی دوران پهلوی هاست.





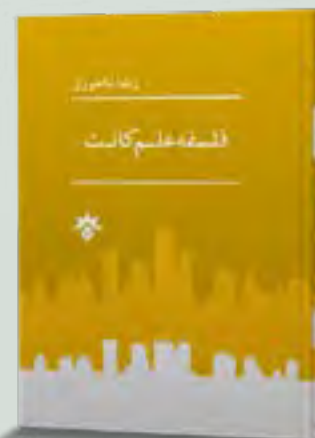
مکتب نوسازی و دشواری های بومی سازی در ایران

کتاب «مکتب نوسازی و دشواری های بومی سازی در ایران» تألیف مرتضی فرهادی از سری تأملات صاحب نظران ایرانی در باب آموزش عالی است که توسط پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم منتشر و به بازار نشر عرضه شده است. کتاب حاضر با بررسی مواجهه های سنت و صنعت در جامعه ایران با نگاه مردم نگارانه سعی دارد تا روند نوسازی در جامعه ما را توضیح دهد. مولف با نگاهی تحلیلی و با تمرکز بر مولفه های مکتب نوسازی در پی آن است که مسائل و مشکلات پیش روی فرایند بومی سازی در ایران را در عرصه های مختلف مورد واکاوی قرار دهد.

فلسفه علم کانت

کتاب «فلسفه علم کانت» تألیف رضا ماحوزی عضو هیئت علمی پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، با شمارگان ۱۰۰۰ نسخه و قیمت ۳۲۰۰۰ تومان بهار ۱۳۹۸ روانه بازار نشر شد.

در مقدمه این اثر آمده است: در این اثر تلاش بر آن است تا بنیادهای مابعدالطبیعی و معرفت شناختی این مهم در اندیشه کانت شناسایی و تصویری واضح از مفهوم «علم فلسفه» ارائه شود. از این رو، در این پژوهش به موارد و مباحثی که مستقیماً لازمه طرح مفهوم «علم فلسفه»، که این خود نیز بر مفهوم «نظام کامل فلسفی» مبتنی است توجه شده است و از پرداختن به دیگر مباحث فلسفه نظری، عملی و غایت شناختی کانت دوری شده است. برکنار از جنبه های قوت و ضعف تحلیل های کانت و بعضاً ملاحظات انتقادی که می توان از این اندیشه ارائه داد، حصول این مطلوب، خود تمهیدی برای ورود به بازشناسی جریان فکری متفاوتی است که از بطن آن علوم انسانی جدید غرب متولد شده و بالیده است.



فلسفه دانشگاه

کتاب «فلسفه دانشگاه» با عنوان فرعی تأملاتی درباره دانشگاه در جهان و ایران ویراسته رضا ماحوزی عضو هیئت علمی پژوهشکده مطالعات فرهنگی و مقدمه منوچهر آشتیانی است که توسط انتشارات این پژوهشکده منتشر شده است.

در پشت جلد این کتاب آمده است: درباره فلسفه دانشگاه چه می دانیم؟ آیا این عنوان نیز نامی ثبت شده برای رشته ای دانشگاهی همچون فلسفه چین یا هند یا یونان و یا اسلامی است؟ و یا فلسفه ای مضاف همچون فلسفه هنر است؟ و یا باید آن را به عنوان مبانی فلسفی و نظری رشته ای به نام «دانشگاه» به حساب آورد؟ فلسفه دانشگاه هیچ کدام از این سه نیست و باید چپستی آن را در جایی دیگر جست.



مقدمه ای بر مطالعات علم

کتاب «مقدمه ای بر مطالعات علم» نوشته دیوید هس است که به همت رضا همتی ترجمه و توسط انتشارات پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم منتشر شده است. در پشت جلد این کتاب آمده است: قرن بیستم عصر پیشرفت‌های عظیم علمی و فنی است، به‌طوری‌که علم به مؤلفه اصلی فرهنگ و زندگی اجتماعی ما بدل شده است. به‌خصوص در دو دهه گذشته، تغییرات مهمی در سطح جهانی به وقوع پیوسته است که به‌طور فزاینده‌ای بر نقش، عملکرد و شکل نظام‌های تولید دانش در سرتاسر جهان تأثیر گذاشته است. کتاب حاضر توسط دیوید جی هس تألیف شده و اگرچه بیش از دو دهه از تألیف آن می‌گذرد، اما همچنان به‌عنوان یک کتاب مقدماتی کلاسیک در این حوزه مطرح است. اثر حاضر می‌تواند به‌عنوان یک منبع درسی برای دانشجویان کارشناسی و کارشناسی ارشد رشته‌های جامعه‌شناسی، فلسفه و انسان‌شناسی، جهت درس جامعه‌شناسی علم مورد استفاده قرار گیرد.



ادغام فناوری در آموزش عالی

کتاب «ادغام فناوری در آموزش عالی جنبه‌های اجتماعی و سازمانی» نوشته: دانیل دابلیو سوری، جیمز «ترس» استفوراک و روبرت ام گری / دانشگاه آلابامای جنوبی / ایالات متحده آمریکا است که توسط الهام اکبری ترجمه و توسط انتشارات پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم منتشر شده است.

کتاب «ادغام فناوری در آموزش عالی (جنبه‌های اجتماعی و سازمانی)» زوایای مختلف استفاده از فناوری در آموزش عالی را در نظر گرفته و به‌گونه‌ای جامع به تمام مواردی می‌پردازد که مدیران و رؤسای دانشگاه‌ها، سیاست‌گذاران، اعضای هیئت علمی و سایر ذی‌نفعان برای ایجاد دوره‌های برخط یا توسعه آن‌ها نیاز دارند. کتاب حاضر می‌تواند برای تمام کارشناسان آموزش عالی و کسانی که به راه‌اندازی درست و استاندارد دانشگاه‌های مجازی یا دوره‌های آنلاین علاقه‌مند هستند، راهگشا باشد.



درآمدی بر انسان‌شناسی علم و آموزش عالی

کتاب «درآمدی بر انسان‌شناسی علم و آموزش عالی» تألیف فردریک بارت و دیگران است که به همت جبار رحمانی و مهسا شیخان ترجمه و توسط انتشارات پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم روانه بازار نشر شد.

کتاب «درآمدی بر انسان‌شناسی آموزش عالی» در هشت فصل به بررسی جنبه‌های مختلف آموزش عالی می‌پردازد. در این پرداخت، با مفهوم علم، دانش و موقعیت‌مندی آن در آموزش عالی از دریچه انسان‌شناسی مواجه هستیم. انسان‌شناسی آموزش عالی، شاخه‌ای از انسان‌شناسی کاربردی است که تلاش می‌کند تا سازوکارهای قدرت، هویت، اقتدار و موقعیت دانشجویان نسبت به سواد و علم دانشگاهی را بررسی کند. کتاب حاضر نیز، در روندی نسبتاً ترتیبی، تلاش کرده است تا نگاهی تازه به آخرین مطالعات در خصوص مباحثی چون انسان‌شناسی علم، مطالعات فرهنگی علم، دیدگاه‌های انسان‌شناسی فرهنگی به آموزش عالی، سوادهای دانشگاهی و یادگیری در آموزش عالی، انسان‌شناسی سواد، انسان‌شناسی کاربردی، تدریس و اقتدار علمی در کلاس درس داشته باشد.



ارزیابی کیفیت در آموزش عالی ایران

کتاب «ارزیابی کیفیت در آموزش عالی ایران از اندیشه تا عمل» تالیف عباس بازرگان از سری تاملات صاحب‌نظران ایرانی در باب آموزش عالی است که توسط پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم منتشر شده است.

در پشت جلد این کتاب آمده است: در قرن بیست و یکم، نقش آموزش عالی در توسعه کشورها بیش از پیش اهمیت یافته است. در این راستا، کیفیت آموزش عالی و ارزیابی آن در زمره دغدغه‌های اصلی نظام‌های آموزش عالی قرار گرفته است.

در این مجموعه گزیده‌ای از مقاله‌ها، نوشته‌ها و گزارش‌های علمی مربوط به کیفیت و ارزیابی در آموزش عالی که توسط نگارنده طی دو دهه گذشته تدوین شده و با انتشار یافته است، گردآوری شده است.



مجموعه «پیمایش‌های جامعه دانشگاهی» منتشر شد

مجموعه «پیمایش‌های جامعه دانشگاهی» در یازده جلد طراحی شده که تاکنون ۹ جلد آن توسط انتشارات پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم منتشر شده است. دکتر حسین میرزایی رئیس پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی مدیریت این مجموعه را به عهده داشته است. وی ضرورت تدوین و انتشار این مجموعه را چنین بیان داشته است: «با تاکید بر اهمیت آرشوسازی مطالعات انجام شده در حوزه‌های مختلف، مجموعه پیمایش‌های جامعه دانشگاهی به‌عنوان یکی از مطالعات آرشویی سعی کرده بخشی از منابع و مستندات فرهنگی و اجتماعی آموزش عالی در ایران را به تصویر و توصیف بکشد و درعین حال پرتوی بر افق‌های آموزشی و پژوهشی در زمینه مطالعات فرهنگی و اجتماعی آموزش عالی در ایران نهد. امید است که محتوای آثار این مجموعه مورد توجه و اهتمام صاحب‌نظران و متولیان امر در نهادها و مؤسسات آموزشی و پژوهشی مرتبط با آموزش عالی قرار گیرد.»



آموزش عالی مطرح می‌شود شناخت خصوصیات رفتاری و استعدادها و خواستها و آرزوها و مشکلات دانشجویان است.

در قسمت دیگری نویسنده می‌گوید: رساله‌ای که اینک عرضه می‌شود حاصل کوششی است که در مؤسسه روانشناسی دانشگاه تهران از چند سال پیش با یآوری گروهی از محققان برای فراهم کردن چنین منبع اطلاعات تحقیقاتی در خصوص دانشجویان صورت گرفته است.

نصفت یادآوری می‌کند: در گزارش حاضر مسائل و موضوع‌های مورد بررسی به پنج قسمت تقسیم شده‌اند و هر یک از فصول رساله به یکی از آنها اختصاص یافته است، با این عنوان‌ها: «مشخصات تحصیلی دانشجویان»، «مشخصات

در پیشگفتار این کتاب آمده است: گرانباترین سرمایه و «منبع طبیعی» که هر جامعه برای نیل به آرمان‌ها و تأمین آینده خود در اختیار دارد نیروی سازنده و توانایی فکری سرآمدان و رهبران آن است. دانشجویان قشری ممتاز از هر جامعه را تشکیل می‌دهند که بیشتر برگزیدگان و سرآمدان از آن برمی‌خیزند و نظام آموزش عالی دستگاهی است که این نیروی انسانی سازنده باید در آن پرورش یابد. یکی از عوامل توفیق دانشگاه در ایفای این نقش مهم معنوی و اجتماعی آنست که هدف‌ها و برنامه‌ها و روش‌های آن با ویژگی‌های روانی و اجتماعی دانشجویان و برداشتی که از نقش خود در جامعه امروز و فردا دارند سازگار باشد. بنابراین از مسائل اساسی که در هرگونه بحث و تفکر درباره

جلد نخست این مجموعه با عنوان «سنجش افکار دانشجویان کشور (۱۳۵۴)» با تالیف مرتضی نصفت در سال ۱۳۹۷ منتشر شد.



جامعه، مستلزم آگاهی از این ارزش‌ها و نگرش‌ها قلمداد می‌شود.

جلد پنجم این مجموعه با عنوان «نگرش‌ها و رفتار دانشجویان (موج اول)» تألیف حسین سراج زاده و فاطمه جواهری است.



سراج زاده در مقدمه و معرفی این مجموعه آورده است: با توجه به اینکه آگاهی از گرایش‌ها، رفتار و آگاهی‌های دانشجویان و تغییرات آن‌ها در طول زمان به فهم و تحلیل جریان‌ها و فرایندهای فرهنگی، سیاسی، و اجتماعی موجود در دانشگاه‌ها و در سطح جامعه کمک شایانی می‌کند و پیش‌بینی روند تحولات آینده جامعه را تا حدودی ممکن می‌سازد، اجرای پژوهش‌های پیمایشی منظم در میان دانشجویان برای مدیران و برنامه‌ریزان جامعه، به‌خصوص در بخش آموزش عالی راهگشا و بلکه ضروری است. به همین دلیل طرح «سنجش گرایش‌ها، رفتار و آگاهی‌های دانشجویان دانشگاه‌های دولتی» در دستور کار دفتر مطالعات و تحقیقات معاونت فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری قرار گرفت.

در ادامه می‌نویسد: نتایج و یافته‌های این طرح در گزارشی که پیش‌رو دارید در هفت فصل تنظیم شده است. در فصل اول (معرفی پژوهش)، ضرورت انجام پژوهش‌های پیمایشی بین دانشجویان و مسائل روش‌شناسی پژوهش مورد بحث قرار می‌گیرند. فصل دوم به معرفی ویژگی‌های جمعیتی پاسخگویان می‌پردازد، و تصویری از خصوصیات فردی و خانوادگی آنان ارائه می‌کند. در فصل سوم تحت عنوان وضعیت آموزشی و مسائل دانشگاه‌ها، یافته‌های مربوط به وضعیت آموزشی دانشجویان قبل از ورود به دانشگاه، هنگام ورود به دانشگاه، هنگام تحصیل در دانشگاه، و پس از اتمام تحصیل ارائه می‌گردد و محورهای اصلی نگرش دانشجویان نسبت به موضوعات اداری، آموزشی و سیاسی در دانشگاه ترسیم می‌شود. چهارمین

در مقدمه بخش اول این کتاب آمده است: اهمیت توجه دانشجویان در پیمایش‌های ملی به سبب اهمیت دانشجویان آنها عنوان یک گروه اجتماعی در بستر تحولات اجتماعی چند دهه گذشته است. با لزوم توجه به دانشجویان را می‌توان از منظر تغییرات اجتماعی و نقش تعیین کننده نهاد دانشگاه و آموزش عالی به عنوان عاملی مؤثر در تغییر باورها، ارزش‌ها و رفتارها در جامعه ارزیابی کرد.

در ادامه نویسنده آورده است: نتایج تحقیق پیش رو به خواننده نشان خواهد داد که در حوزه‌های مختلف حیات اجتماعی، فرهنگی و سیاسی، دانشجویان در موارد متعدد نسبت به سایر گروه‌ها دیدگاه متفاوتی نسبت به جهان پیرامون دارند، نگرانی‌هایشان فرق دارد و حساسیت‌هایشان متفاوت است.

جلد چهارم این مجموعه با عنوان «ارزش‌ها و نگرش‌های دانشجویان (۱۳۹۴)» تألیف غلامرضا غفاری است که توسط پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی منتشر شده است.



نویسنده در بخش اول نوشته است: پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان در پی فراهم کردن داده‌هایی در باب ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان است تا بر مبنای این داده، درکی واقع‌بینانه از تغییرات در ارزش‌ها، نگرش‌ها، پنداشت‌ها، باورها و انگیزه‌های آحاد افراد جامعه حاصل شود. این مهم با پذیرش این ایده که ریشه و خاستگاه اصلی رفتار و کنش‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی را که در جهان‌های فرهنگی و اجتماعی افراد جامعه عینیت پیدا می‌کنند باید در ارزش‌ها و نگرش‌های افراد جستجو کرد، اهمیتی مضاعف پیدا می‌کند. شناخت از ارزش‌ها و نگرش‌های شهروندان، آگاهی از نقشه کنش کنش‌گران است؛ چه آگاهانه بر مبنای این نقشه ذهنی عمل کنند و چه ناخودآگاه. در هر صورت، این نقشه، هدایت‌گر اصلی اقدامات آن‌هاست و درک و رصد روند تغییرات فرهنگی و اجتماعی در

فردی و خانوادگی دانشجویان»، «مسائل تحصیلی و دانشگاهی»، «نگرش دانشجویان به آینده خویش»، «مسائل عمومی اجتماعی». در مقدمه رساله، فصلی تحت عنوان «موضوع و روش تحقیق» در بیان زمینه بررسی، برنامه تحقیق و مراحل آن و روش کار آمده است.

جلد دوم این مجموعه با عنوان «مسائل آموزشی و اقتصادی دانشجویان (۱۳۷۳)» تألیف مصطفی عسگریان منتشر شده است.



عسگریان در مقدمه با اشاره به مسائل دانشجویان می‌نویسد: مسائل دانشجویان ابعاد مختلفی دارد که ما به آنها اشاره نمودیم و در این تحقیق آنها را در دو بعد آموزشی و اقتصادی مورد مطالعه قرار داده‌ایم. شناخت این مسائل موجب می‌شود که بتوان در رفع آن مشکلات برنامه‌ریزی نمود و در تربیت نیروی انسانی آینده جامعه اقدام مؤثری به عمل آورد. یک جامعه در حال تحول و توسعه نمی‌تواند در شناسایی مستمر مسائل دانشجویان بی‌تفاوت باشد. بنابراین انجام تحقیقات در این رابطه الزام‌آور هر جامعه پویاست.

جلد سوم این مجموعه با عنوان «ارزش‌ها و نگرش‌های دانشجویان (۱۳۷۹ و ۱۳۸۱)» تألیف آرشد نصر اصفهانی است که توسط انتشارات پژوهشکده منتشر شد.



مقایسه، حجم جمعیت دانشجویی مورد بررسی برای هرکدام از دو سال ۱۳۸۴ و ۱۳۹۳ برابر با ۱۰۷۲ نفر است.

جلد نهم این مجموعه با عنوان «پیمایش کلاس درس دانشگاهی در ایران (۱۳۹۵)» تألیف آمنه صدیقان بیدگلی که توسط پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی منتشر شده است.



عباس کاظمی در مقدمه این پیمایش نوشته است: ما در «برنامه پژوهشی کلاس درس» کوشیده‌ایم از ابعاد مختلفی ماجرای کلاس درس را دنبال کنیم.

در ادامه می‌نویسد: هدف این مطالعه، سنجش جامع وضعیت کلاس درس از نگاه دانشجویان و فعالیت‌هایی است که دانشجویان در ارتباط با آن انجام می‌دهند.

کاظمی متذکر می‌شود: نتایج پیمایش حاضر در ابعاد مختلفی نشانه ورود دانشگاه‌های ایران به برهه جدید هستند. شکل حضور و غیبت دانشجویی، معنای عمیقی پیدا کرده است، انگیزه‌های ورود به دانشگاه، متعدد و متکثر شده و میل به ماندن در دانشگاه و ادامه دادن به حضور در دانشگاه تقویت شده است؛ این درحالی است که با یک‌سری از نتایج روبه‌رو می‌شویم که به‌ظاهر ماندن در دانشگاه را توجیه نمی‌کنند؛ مثلاً اینکه آمیدی به یافتن کار در بین دانشجویان دیده نمی‌شود، یعنی درحالی که درس خواندن توجیه اقتصادی ندارد، افراد همچنان مایل هستند دانشجو بشوند. پس چه چیزی موجب تداوم حیات دانشگاه می‌شود؟ پاسخ این پرسش در تغییر کارکرد دانشگاه نهفته است. همین پیمایش نشان می‌دهد که انگیزه‌های ورود به دانشگاه چنان متکثر شده است که کار و علم تنها بخشی از انگیزه‌های مدرک گرفتن محسوب می‌شوند؛ در عوض، طیفی از انگیزه‌های اجتماعی و فرهنگی مداخله کرده‌اند که سبب برجسته شدن هویت منزلتی دانشگاه شده‌اند. امروزه دانشگاه بیش از هر

فراهم کردن داده‌های معتبر درباره نگرش‌ها و رفتار دانشجویان است. همچنین از آنجاکه این طرح، مرحله دوم از یک طرح پیمایشی طولی است، داده‌های آن می‌تواند برای شناخت تغییرات نگرش‌ها و رفتار دانشجویان در طول زمان هم مورد استفاده قرار گیرد.

هفتمین جلد این مجموعه به «سرمایه اجتماعی دانشجویان (۱۳۸۴ و ۱۳۹۳)» تألیف غلامرضا غفاری اختصاص یافته است.



در مقدمه این پژوهش آمده است: سنجش سازه سرمایه اجتماعی هم به دلیل چندبعدی و چندسطحی بودن و هم تحت پوشش قرار دادن افراد و جمعیت‌های متنوع، کار دشوار و سختی است. باوجوداین، امروزه در بیشتر کشورهای جهان، شاهد سنجش این سرمایه در مقیاس‌های ملی، منطقه‌ای، محلی و نیز در جمعیت‌های معین هستیم. مطالعات انجام‌شده نشان می‌دهند، به تناسب طرح مفهومی - نظری اختیارشده و مهم‌تر از آن قلمرو و سطحی که در آن سنجش انجام می‌شود، در چهارچوب سنت‌های کمی و کیفی، روش‌ها و شیوه‌های سنجشی مختلفی را طرح و پیشنهاد کرده‌اند که هرکدام الزام‌ها و قوت‌های خود را دارند.

نویسنده در ادامه یادآور می‌شود: در این گزارش تصویری از سرمایه اجتماعی جمعیت دانشجویی در قالب دو بخش ارائه شده است. در بخش نخست مقایسه وضعیت سرمایه اجتماعی دانشجویان با جمعیت غیردانشجویی، بر مبنای داده‌های پیمایش ملی سرمایه اجتماعی ارائه شده است که در سال ۱۳۹۳ به سفارش شورای اجتماعی کشور اجرا شده بود. در بخش دوم مقایسه وضعیت سرمایه اجتماعی دانشجویان در سال ۱۳۹۳ با وضعیت سرمایه اجتماعی دانشجویان در پیمایش سرمایه اجتماعی سال ۱۳۸۴ ارائه شده است. در این

فصل به نگرش‌های فرهنگی و اجتماعی دانشجویان می‌پردازد. در این فصل نگرش و رفتار دانشجویان نسبت به خانواده، دین، زندگی و اجتماع، مسائل زنان، کجروی‌های اجتماعی، نحوه گذران اوقات فراغت، و شخصیت‌های مورد علاقه دانشجویان مورد بررسی قرار می‌گیرد. فصل پنجم مربوط به نگرش‌ها و رفتار سیاسی پاسخگویان است. در این فصل یافته‌های پژوهش درباره موضوعاتی همچون منابع خبری و میزان اعتماد به آن‌ها، هواداری سیاسی، رفتار سیاسی و انتخاباتی، قانون‌گرایی، وفاداری به هویت ملی و نظام سیاسی، سیاست خارجی و غیره ارائه و تحلیل می‌شوند. فصل ششم ناظر به موضوعات اقتصادی است و در آن نگرش دانشجویان درباره مهم‌ترین مسائل این عرصه همچون تضاد طبقاتی، دلایل مشکلات اقتصادی، و خط‌مشی‌های اقتصادی رقیب (کنترل تورم یا بیکاری، ترجیح توزیع درآمد بر افزایش درآمد ملی و برعکس، سرمایه‌گذاری خارجی، تأمین بودجه دولت از نفت یا مالیات، و...) بررسی و تحلیل می‌شوند. در آخرین فصل خلاصه‌ای از یافته‌های پژوهش با تأکید بر رابطه پنج متغیر اصلی مستقل منتخب (جنسیت، پایگاه اجتماعی، رشته تحصیلی، محل دانشگاه، و قومیت) بازخوانی شده است.

جلد ششم این مجموعه با عنوان «نگرش‌ها و رفتار دانشجویان (۱۳۹۴)» (موج دوم) تألیف حسین سراج زاده، فاطمه جواهری و ایرج فیضی منتشر شده است.



در معرفی این پژوهش آمده است: آگاهی از گرایش‌های فکری و رفتاری دانشجویان در زمینه‌های مختلف خانوادگی، آموزشی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی به یک ضرورت مهم شناختی برای پژوهشگران و همچنین به یک نیاز مبرم مدیریتی برای مدیران آموزش عالی و کشوری تبدیل شده است. در این راستا، این طرح پژوهشی پیمایشی در پی پاسخ‌گویی به این ضرورت و

مولف در پیشگفتار این اثر آورده است: معاونت فرهنگی و اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد به منظور ترسیم نیم‌رخی از وضعیت اجتماعی و فرهنگی دانشجویان، اساتید و کارکنان، اقدام به اجرای طرح پایش فضای فرهنگی و اجتماعی دانشگاه نمود تا یافته‌های این مطالعه بتواند در امر برنامه‌ریزی فرهنگی و اجتماعی به کار آید. گزارش حاضر نتیجه اجرای طرح پایش در حوزه دانشجویی است.



زمان دیگری با زندگی روزمره گره خورده و مسائل خرد و پیش‌پاافتاده زندگی را مخاطب خود قرار داده است. مطمئن هستم خوانندگان این گزارش نکات عمیق‌تری از کتاب حاضر بیرون خواهند کشید و امید دارم پیمایش حاضر مسیری برای تأمل بیشتر درباره وضعیت امروز دانشگاه و کلاس درس گشوده باشد.

یازدهمین جلد این مجموعه به «پایش فضای فرهنگی - اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد (۱۳۹۵)» تألیف حسین اکبری اختصاص یافته است.

عرضه ۵ عنوان کتاب جدید در حوزه دانشگاه و جامعه از سوی پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی به بازار نشر

انتشارات پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، پنج عنوان کتاب جدید در حوزه مطالعات اجتماعی منتشر و به نمایشگاه بین‌المللی کتاب رساند. در ادامه معرفی اجمالی از این کتاب‌ها آمده است.

دانشگاه و دولت_ملت‌سازی

کتاب «دانشگاه و دولت ملت‌سازی» تألیف مارک کویک و دیگران است که توسط آریا متین و ایمان بحیرایی ترجمه و از سوی انتشارات پژوهشکده منتشر شده است. در پشت جلد این کتاب آمده است: تغییرات دولت رفاه و تغییرات دولت-ملت، دو بُعد از ابعاد دولت در حال گذار بر اثر جهانی‌سازی هستند که هر دو، رابطه تنگاتنگی با آموزش عالی، به‌ویژه با بخش نخبه آن، یعنی نهاد دانشگاه، دارند. کتاب حاضر مجموعه مقالاتی است که تأثیرات متقابل دانشگاه و فرایند دولت ملت‌سازی را بررسی می‌کند.



امید اجتماعی

کتاب «امید اجتماعی؛ چیستی، وضعیت و سبب‌شناسی» به کوشش هادی خانیکی و همکاران و توسط انتشارات پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی منتشر شد.

در مقدمه این کتاب آمده است: می‌توان گفت خلق فرصت‌های نو و ابداع شیوه‌های نوین برای ایجاد تغییر در نگرش‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی با هدف تقویت امید اجتماعی می‌تواند راه حل برون‌رفت از یأس اجتماعی باشد، زیرا تجربه نشان داده است که در بخش‌هایی که توانمندسازی صورت می‌گیرد، جامعه شیوه‌های حل مسائل خود را پیدا می‌کند. به این منظور ابتدا باید صورت‌بندی دقیق و علمی نسبت به مسأله ارائه داد و چیستی و چرایی و چگونگی امید اجتماعی در ایران را بررسی نمود. با این انگیزه در اردیبهشت ماه ۱۳۹۶ پس از بحث و تبادل نظر در ارتباط با مهم‌ترین مسائل اجتماعی روز ایران، به امید اجتماعی پرداختیم. برای این مهم، از انجمن‌های علمی و حرفه‌ای و صاحب‌نظران در حوزه‌های گوناگون نظری برای اندیشیدن و تحقیق پیرامون چهارمحور اصلی موضوع: «تبیین چیستی»، «وضعیت»، «سبب شناسی» و «راهکارها و سیاست‌های امید اجتماعی» دعوت به عمل آمد که خوشبختانه اجماع ارجمندی از اندیشمندان بر مدار امید شکل گرفت.





درآمدی بر تعامل دانشگاه با محیط پیرامون

کتاب «درآمدی بر تعامل دانشگاه با محیط پیرامون» تألیف رضا مهدی عضو هیئت علمی پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی است که توسط انتشارات این پژوهشکده در ۳۲۸ صفحه منتشر شده است. در پشت جلد این کتاب آمده است: با قدمتی قریب به هزار سال، دانشگاه‌های امروزی از قدیمی‌ترین نهادها و سازمان‌های سیاره در معرض خطر زمین‌اند. این نهادهای انسان‌ساز و باشکوه، قرن‌ها در مقابل تغییرات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی نه تنها مقاوم؛ بلکه تحول‌آفرین بوده‌اند. با این حال، دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی، در قرن حاضر با چالش‌های بی‌سابقه‌ای روبرو شده و این مواجهه سرنوشت‌ساز همچنان ادامه خواهد داشت. کتاب حاضر سعی دارد تعاملات متقابل دانشگاه را با محیط‌های مختلف جامعه مورد بررسی قرار دهد.

مجموعه مقالات همایش

روابط دولت و ملت در ایران

کتاب «مجموعه مقالات همایش روابط دولت و ملت در ایران» به کوشش محمدحسین پناهی و علی انتظاری است که توسط انتشارات پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم در ۸۸۰ صفحه منتشر شده است.

در پشت جلد این کتاب آمده است: از زمانی که پدیده دولت-ملت، همراه با شکل‌گیری مدرنیته سیاسی، در اروپا پدید آمد، یکی از مهم‌ترین موضوعات مطالعاتی علوم سیاسی مدرن و جامعه‌شناسی سیاسی رابطه متقابل دولت و ملت بوده است. با شکل‌گیری دولت-ملت‌های بعدی در سایر جوامع بشری، موضوع نوع مناسب رابطه متقابل دولت و ملت همواره در اولویت بالای مطالعه و اندیشه‌ورزی اندیشمندان قرار داشته است.

اثر حاضر مجموعه مقالاتی است که پیرامون روابط متقابل دولت و ملت به‌ویژه در ایران گردآوری شده است.



مطالعات پسا استعماری

کتاب «مطالعات پسا استعماری (منتخب مقالات)» تألیف دنیس میتو است که توسط بیل اشکرافت، گرت گرفتیز، هلن تیفین تدوین و توسط جمعی از مترجمان ترجمه و به کوشش تورج رحمانی ویرایش شده است. این کتاب در ۱۰۵۶ صفحه و با شمارگان ۱۰۰ نسخه توسط انتشارات پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم منتشر شده است.

کتاب «مطالعات پسا- استعماری» که توسط جمعی از مؤلفان آگاه به این حوزه تألیف شده و با اقبال بسیار گسترده و مناسبی در محافل علمی دنیا مواجه شده است بر آن است این پدیده را به تفصیل از زوایای متعدد بررسی کرده و وجوه نمایان آن را در محافل علمی و دانشگاهی جوامع در حال توسعه بررسی کند. بدین ترتیب، این مجموعه به نحوه ترویج و اشاعه فرهنگ و ادبیات غربی - که در اینجا عمدتاً ادبیات انگلیسی به‌عنوان ادبیات غالب و بانفوذ در تمام جهان مورد نظر است - پرداخته و نتایج برخاسته از این مسئله را در کنار مفاهیم دیگری از قبیل تنوع فرهنگی، نژاد، تفاوت قومی و غیره که همگی بنابه منظوره‌های خاصی طرح شده‌اند، بررسی و تحلیل می‌کند.



تمدید مهلت ارسال اثر به همایش ملی «مطالعات فرهنگی و اجتماعی آموزش عالی، علم و فناوری»

مهلت ارسال چکیده آثار به همایش ملی «مطالعات فرهنگی و اجتماعی آموزش عالی، علم و فناوری» (یادمان دکتر قانع‌راد) تا ۳۱ مرداد ۱۳۹۸ تمدید شد. علاقمندان می‌توانند آثار خود را به دبیرخانه این همایش واقع در تهران، پاسداران، خیابان شهید مومن نژاد (گلستان یکم) پلاک ۱۲۴ پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری یا ایمیل hamayesh@iscs.ac.ir ارسال کنند.

این همایش ۱۴ آبان ماه ۱۳۹۸ در محورهای زیر برگزار می‌شود:

- آموزش عالی، در دفاع از دانشگاه
- نسبت فرهیختگی و دانشگاه در ایران
- اخلاق آکادمیک
- میان‌رشتگی‌ها در ایران
- فرهنگ دانشگاه کارآفرین
- زنان در شرکت‌های دانش بنیان و تحولات علمی
- مسائل زنان در آموزش عالی
- ایده دانشگاه و ضرورت آن
- زندگی دانشجویی و مسائل آن
- مسئولیت اجتماعی دانشگاه
- آموزش عالی و محیط زیست
- بین‌المللی شدن آموزش عالی
- اجتماع علمی و ظرفیت‌های آن
- گروه‌های دانشجویی و نقش‌های آن‌ها
- مطالعات فرهنگی و اجتماعی علم و فناوری
- فن علم در جامعه آکادمیک ایرانی
- گذر از جامعه‌شناسی علم به مطالعات فرهنگی و اجتماعی علم

پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی
وزارت علوم، تحقیقات و فناوری برگزار می‌کند

همایش ملی
مطالعات فرهنگی و اجتماعی
آموزش عالی، علم و فناوری
یادمان دکتر قانع‌راد

رئوس محورها:

- آموزش عالی در دفاع از دانشگاه
- نسبت فرهیختگی و دانشگاه در ایران
- اخلاق آکادمیک
- میان‌رشتگی‌ها در ایران
- فرهنگ دانشگاه کارآفرین
- زنان در شرکت‌های دانش بنیان و تحولات علمی
- مسائل زنان در آموزش عالی
- ایده دانشگاه و ضرورت آن
- زندگی دانشجویی و مسائل آن
- مسئولیت اجتماعی دانشگاه
- آموزش عالی و محیط زیست
- بین‌المللی شدن آموزش عالی
- اجتماع علمی و ظرفیت‌های آن
- گروه‌های دانشجویی و نقش‌های آن‌ها
- مطالعات فرهنگی و اجتماعی علم و فناوری
- فن علم در جامعه آکادمیک ایرانی
- گذر از جامعه‌شناسی علم به مطالعات فرهنگی و اجتماعی علم

مهلت ارسال مقالات: ۳۱ مرداد ۱۳۹۸
زمان برگزاری: ۱۴ آبان ۱۳۹۸

نشانی دبیرخانه: تهران، پاسداران، خیابان شهید مومن نژاد (گلستان یکم)، پلاک ۱۲۴، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
www.iscs.ac.ir
ایمیل: hamayesh@iscs.ac.ir
تلفن: ۰۲۱-۲۲۷۷۷۱۹۰

تمدید شد

چهل و پنجمین شماره فصلنامه علمی-پژوهشی تحقیقات فرهنگی ایران منتشر شد

رایانه‌ای در ایران: سید مهدی شریفی، جواد جواهری،
مهرداد استری



رستمی، حکیمه افروزه، آرمان عاشوری
- رابطه اعتیاد به بازی‌های رایانه‌ای و انزوایی نوجوانان: مطالعه موردی دانش‌آموزان پسر مقطع راهنمایی شهرستان کاشان در سال ۱۳۹۵: محسن نیازی، الهام شفاپی مقدم، زهرا حسن زاده
- رابطه میزان استفاده از بازی‌های رایانه‌ای با اهمال‌کاری تحصیلی: نقش واسطه‌گری جهت‌گیری هدف در دانش‌آموزان مقطع ابتدایی: محبوبه البرزی، فریبا خوشبخت، رقیه دورودی
- بررسی تأثیر به کارگیری مکانیک‌های بازی‌پردازی بر موفقیت طرح‌های جمع‌سپاری در حکمرانی الکترونیکی: مورد مطالعات، مشارکت شهروندان شهرکرد در زیباسازی شهر: سید محمد باقر جعفری، زهرا عبدالله زاده
- تدوین راهبردهای کسب و کار در بازی‌های

پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم تحقیقات و فناوری شماره یک دوره دوازدهم فصلنامه علمی-پژوهشی تحقیقات فرهنگی ایران ویژه بهار ۱۳۹۸ را منتشر کرد؛ علاقه‌مندان مقالات زیر را در این شماره می‌توانند بخوانند:

- الگوی ارزش‌های ادراکی در مخاطبان پلتفرم‌های بازی‌های دیجیتال: سید محمد علی سید حسینی، پویان نژادی، حامد نصیری
- چهارچوب تشخیص مکانیک‌های مناسب بازی‌های رایانه‌ای برای آموزش موضوعات شناختی: حجت دهقان زاده، حسین دهقان زاده، بهروز مینائی
- الگوی اثرگذاری استفاده از بازی‌های ویدئویی ورزشی بر مصرف ورزشی: شهرام شفیع، هشام

۱۴۱۴ در دانشگاه تهران برگزار شد. در این همایش دو روزه که در روزهای هشتم و نهم اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۸ از سوی دانشگاه تهران و با همکاری چند نهاد دیگر از جمله پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری برگزار شد، یک نشست به پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی اختصاص داده شد. این نشست با عنوان «آینده علم و فناوری در جهان اسلام» با حضور دکتر محمد حسینی مقدم، دکتر لیلا فلاحی و دکتر سید محمود نجاتی حسینی برگزار شد.

اخبار واحد آموزش پژوهشکده

• کارگاه عملی «تحلیل تماتیک» به همت مرکز آموزش‌های تخصصی و آزاد پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی برگزار شد.
این کارگاه در چهار جلسه دوشنبه‌ها، از بیستم خردادماه با تدریس دکتر عباس کاظمی برگزار شد.
• کارگاه آموزشی «استخراج مقاله علمی-پژوهشی از پایان‌نامه و طرح پژوهشی» به همت مرکز آموزش‌های تخصصی و آزاد پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی برگزار می‌شود.
این کارگاه یک روزه با تدریس دکتر مهدی علیپور حافظی و به مدت ۸ ساعت برگزار می‌شود.

اخبار اعضای هیئت علمی

• سعیده سعیدی همکار پژوهشی و محقق دوره پسادکتری پژوهشکده از ابتدای سال جاری آغاز به کار کرد.
• خدیجه کشاورز با عنوان «دشواری‌های ورود به حرفه دانشگاهی» در یازدهمین همایش ملی آموزش اردیبهشت ۹۸ شرکت کرد.
• سعیده سعیدی با مقاله «بازگشت به مثابه امکان: چالش‌های مهاجران بازگشتی در بازیابی هویت حرفه‌ای خود در نهاد آموزش عالی» در یازدهمین همایش ملی آموزش اردیبهشت ۹۸ شرکت کرد.
• اباذر اشتری مهرجودی با سخنرانی «بازنمایی دخیانیات بعنوان آسیب اجتماعی در هنر هفتم» در سومین سمپوزیوم ملی روز جهانی گرافیک (اردیبهشت ۹۸) شرکت کرد.
• رضا ماحوزی، در چهارمین همایش کنکاش‌های مفهومی و نظری درباره جامعه ایران سخنرانی خود را با عنوان «آموزش لیبرال در انقلاب سفید و سوء تبعات آن برای انسجام ملی» ارائه کرد.
• اسمعیل خلیلی در چهارمین همایش کنکاش‌های مفهومی و نظری درباره جامعه ایران سخنرانی خود را با عنوان «قانونی راد پژوهشگر اجتماعی تام» ارائه کرد و همچنین مقاله «از آیین‌زدگی تا

آیینی شدن زندگی اجتماعی: کاربردهای مفهوم آیین برای فهم تحولات و پویایی‌های جامعه ایران امروز» را در این همایش ارائه کرد.
• رضا ماحوزی با مقاله «آینده فلسفی دانشگاه و آینده تمدن اسلامی» در همایش مناسبات فلسفه و تمدن در جهان اسلام اردیبهشت ماه سال جاری در دانشگاه شهید بهشتی شرکت کرد.
• عباس کاظمی در نشست نقد کتاب دغدغه ایرانی اثر دکتر محمد فاضلی شرکت کرد.
• مهدی حسین زاده فرمی در نشست «رسانه ها و سبک زندگی جوانان ایرانی» با عنوان «بررسی وضعیت سبک زندگی جوانان در کشور» سخنرانی کرد.
• رضا ماحوزی با مقاله «آموزش عالی؛ راه نجات با عامل سقوط» در یازدهمین همایش ملی آموزش که در دانشگاه شهید رجایی شرکت کرد.
• خدیجه کشاورز با مقاله «دشواری‌های ورود به حرفه دانشگاهی» در یازدهمین همایش ملی آموزش که در دانشگاه شهید رجایی شرکت کرد.
• سعیده سعیدی با مقاله «بازگشت به مثابه امکان: چالش‌های مهاجران بازگشتی در بازیابی هویت حرفه‌ای خود در نهاد آموزش عالی» در یازدهمین همایش ملی آموزش که در دانشگاه شهید رجایی شرکت کرد.
• رضا ماحوزی در بیست و سومین همایش بزرگداشت حکیم ملاصدرا با موضوع «حکمت ایرانی و حکمت متعالیه» با مقاله «گفتگوی فیلسوفان مسلمان با حکمای ایران باستان؛ الگویی برای گفتگوی فرهنگی» شرکت کرد.
• همایش بین‌المللی آینده جهان اسلام در افق